سلسله نشرات کتابخانه اسپچ

دسپچ دکتا بتون دخپر ونولړی

۴

آخرین کشفیات درباره زبان باختری و ارزش تاریخی آن

د باختري ژ بې په هکله وروستنۍ موندنې او دهغو تاریخي ارزښت

لکچری توسط: پروفیسور نیگولاس سیمز ویلیمز

عضو دیپارتمنت خاورنزدیک و خاورمیانه مطالعات شرقی و آفریقایی
دانشگاه لندن

در ادیتوریوم دانشگاه کابل
۱۹ می ۲۰۰۳

تنظیم کننده: انجمن حفظ میراث فرهنگی افغانستان



انجمن حفظ میراث فرهنگی افغانستان
دافغانستان دفر هنګي میراث ساتنې تولنه
کابل ۲۰۰۴

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

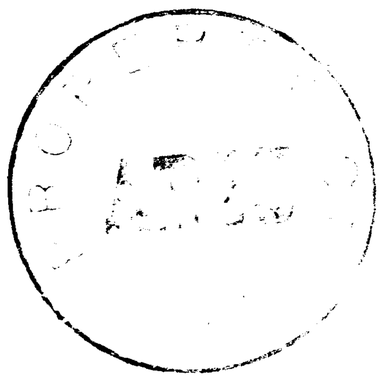
سلسله نشرات کتابخانه اسپچ

آخرین کشفیات در باره زبان باختری و ارزش تاریخی آن

توسط: پروفیسور نیکولاس سیمز ویلیمز

عضو دیپارتمنت خاور نزدیک و خاور میانه مطالعات شرقی و آفریقایی

دانشگاه لندن



لکچری در ادیتوریوم دانشگاه کابل

۱۹ می ۲۰۰۳

تنظیم کننده: انجمن حفظ میراث فرهنگی افغانستان

انجمن حفظ میراث فرهنگی افغانستان

۲۰۰٤

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

سلسله نشرات کتابخانه اسپچ

انجمن حفظ میراث فرهنگی افغانستان که درکابل موقعیت دارد، درسال ۱۹۹٤ بنیانگذاری شده است. به اشتراک گذاشتن اطلاعات و تشویق مؤسسات ، ارگانها و نهادهای داخلی وخارجی برای حفظ میراث فرهنگی افغانستان را میتوان ازاهداف این دفتر نام برد.

دفتر اسپچ باهمکاری و پشتیبانی اعضایش درتهیه مجموعه عکسهایی از وضعیت موزیمها، ساحات، آبدات تاریخی، آثارو معماریهای افغانستان موفق گردیده است. یک خبرنامه و وب سایتی به منظور تشریح وارائه فعالیتهای این دفتر برای اعضای افغان وجامعه بین المللی آن منتشر میگردد. این دفتر ارتباطات عمومی را ازطریق مطبوعات وسخنرانیهای جمعی تشویق و ترویج مینماید.

به عنوان بخشی ازتلاشهای این دفتردرجهت افزایش آگاهی، سلسله نشرات کتابخانهء اسپچ برای آشنایی خوانندگان با تنوع میراث فرهنگی افغانستان تنظیم وتهیه گردیده که هر کدام ازاین سلسله نشرات به یک آبده تاریخی ، یک ساحه باستانی، یک منطقه و یا درنهایتاً به دیگر موضوعات فرهنگی اختصاص داده شده است. مقالات ارائه شدهء متخصصین توسط بخش ویرایش این دفتر انتخاب شده و به سه زبان دری، پشتووانگلیسی منتشر میگردند.

هدف این سلسله نشرات بالا بردن سطح دانش خوانندگان درهمه سطوح است.

عنوان: آخرین کشفیات در باره زبان باختری و ارزش تاریخی آن

نویسنده : پروفیسور نیکولاس سیمز ویلیمز

مترجمان: استاد سرور همایون و میراحمد جوینده (دری)، سید محی الدین هاشمی (پشتو)

ادیتور: محمد ضیأ افشار(دری)، سید محی الدین هاشمی(پشتو)

طراح: عابد سعیدی، برندن کسر

ناشر: اسپچ، کابل ۲۰۰٤

آدرس: سرک سوم کلوله پشته، کابل، افغانستان

ایمل: info@spach.info

وب سایت: www.spach.info

تیراژ: ۱۰۰۰جلد

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

درباره نویسنده :

پروفیسورنیکولس سیمز ویلیمز عضو دیپارتمنت خاورنزدیک وخاورمیانه مطالعات شرقی وآفریقایی دانشگاه لندن میباشند.

ایشان یکی ازبرجسته ترین متخصصین متون باختری و سغدی جهان هستند که در انجمن های ذیل ارائه خدمت نموده اند: *Corpus Inscriptionum Iranicarum, Societas Iranologica Europaea*, The Society for South Asian Studies and The Ancient India and Iran Trust.

پروفیسورنیکولاس سیمز ویلیمز ویراستار(ادیتور) کتاب *Beiträge zur Iranistik* وهمکار ادیتورکتاب*Encyclopaedia Iranica* میباشند.

وی اخیراً هزینه تحقیقات خود را برای تهیه فرهنگ *Dictionary of Manichaean Texts*، ویک بورسیه تحقیقاتی از طرف Leverhulme Trust دریافت نموده اند.

درسال ۱۹۹۷ ایشان یکی از برندگان مشترک جایزه هیرایاما(Hirayama) درمورد *Silk Road Studies* بودند.

درخلال همکاریهای متعدد خود درزمینه تحقیقات باختری، پروفیسور سمیز ویلیمز، مسئول ترجمه کتیبه رباطک شدند که ترجمه این کتیبه باعث بازنگری درتاریخ اولیه سلسله کوشانیها گردیده است و ایشان هم اکنون مشغول ترجمه کتیبه تنگ سفیدک ازولسوالی یکاولنگ- ولایت بامیان میباشند.

pdf.tarikhema.org

PROPERTY OF ACKU 12591

آخرین کشفیات در باره زبان باختری و ارزش تاریخی آن

امروز من درباره اسناد و کتیبه های زبان باختری، زبان قدیم سرزمین باختردرشمال افغانستان بامرکزیت باختر، بلخ امروزی سخن خواهم راند. زبان باختری یگانه زبان از خانواده زبان های هند و ایرانی است که معمولابارسم الخط یونانی نوشته می شده که این زبان از تاخت و تازهای اسکندر مقدونی برافغانستان درقرن چهارم قبل از میلاد برجای مانده است. ازاین روزگار به بعد تا مدت مدیدی زبان ورسم الخط یونانی یگانه وسیله انعکاس فرهنگ و اجرای امور اداری بوده است. آن گاه که بلخ زیرسم اسپان بادیه نشینان شمال افغانستان قرارگرفت، حاکمان جدید این سرزمین یعنی کوشانیان در آغاز همان زبان یونانی را در کارهای اداری خود پذیرفتند، ولی پس از مدتی اندک زبان بومی باختری را با استفاده از رسم الخط و الفبای یونانی نوشتند. یکی ازمهم ترین ادوارتاریخی برای زبان باختری دورانی بود که کنیشکا بزرگترین پادشاه دوران کوشانی مصمم شد تا ازاین زبان برای ضرب سکه استفاده نماید. بعد ازانتشاراولین مسکوکات کنیشکا زبان یونانی اولین باروبرای همیشه جای خودرابه زبان باختری داد.

در قرون اولیهء دوران مسیحیت زبان باختری یکی از مشهورترین و عمده ترین زبانهای جهان شمرده می شد زیرا که زبان باختری یا زبان شاهان کوشانی درسرتاسر امپراطوری کبیرکوشانیان یعنی درافغانستان، مناطق شمالی هندوستان و بخشهای مرکزی آسیای میانه زبان رسمی بوده وبه سطح وسیعی مورد استفاده قرارمیگرفته است. حتی پس ازانقراض امپراطوری کوشانیان وبه تأسی ازکتیبه های قرن نهم وادی توچی درپاکستان وآثاربوداییها ودستنوشته های مانیهادراراضی دوردستی همچون نخلستانهای تورفان درغرب چین، چنین برمیآید که زبان باختری برای مدت شش قرن متمادی مورد استفاده قرارمیگرفته و نقش زبان باختری به حیث عراده فرهنگ درطول هزاران سال اینگونه تداوم یافت.

تا چهل سال پیش، اززبان باختری، به استثنای نقوش ونوشته های روی سکه های کوشانیان و جانشینان آنها هیچ مدرک دیگری در دست نبود. برروی سکه های کوشانیان الفبای یونانی بطرززاویه دارای حک گردیده که ظاهراً این سبک نگارش برای نوشتن کتیبه های یادگاری مورد استفاده قرارمیگرفته است. خواندن نوشته های روی مسکوکات به آسانی امکان پذیر بوده ولی محتوای این نوشته ها مختص به نامها والقاب شاهان وایزدان میباشد.

سکه های شاهان متاخر باختری مثل کوشانو ساسانیها، کیداریها، هفتلیها، ترکها و غیره به خط شکسته وبه اقتباس از شیوه نگارش کتیبه ها، به گونه ای نگارش شده است که خواندن و دریافتن آنها به مراتب دشوارتر ومشکلتر میباشد.از اوایل قرن بیستم به بعدچند قطعه دست نوشته بدست آمده که ازشیوهءنگارش خط شکسته مشابهی استفاده شده است، ولی شماره این دست نوشته ها اندک ومحتوی آنها ناقص بوده بطوریکه نمیتوان تفسیری واقع بینانه از آنها بیان نمود.

این موضوع با کشف اولین کتیبه مهم وقابل توجه باختری در سرخ کوتل، حوالی بغلان درسال ۱۹۵۷ دگرگون گردید (تصویر 1). متن این کتیبه از روی نوشته های مسکوکات کوشانیها که قبلاً شناخته شده بودند به آسانی قابل شناسایی وخواندن بود ولی ازآنجاییکه نوشته های مسکوکات تعداد محدودی لغت رادردسترس قرارمیدادندوهیچ گونه اشاره ای به گرامر وساختمان جمله بندی نداشتند، خواندن وتشریح متن کتیبه بامشکل مواجه شده بود. با این وصف "و.ب. هنینگ" توانست که به سرعت نکات مهم آن رادریابد؛ متن کتیبه به بنیانگذاری یک معبد توسط امپراطورکنیشکا ومتروک شدن این معبد به علت مشکلات آبرسانی وبازگشایی معبد توسط یک مقام بلند پایه به نام نوکونزوک درسال ۳۱ عهد کنیشکا یعنی اوایل سلطنت هویشکااشاره دارد.

پس از پیدایش کتیبه سرخ کوتل چندین کتیبه باختری دیگر به دست آمد، لیکن این کتیبه ها چنان فرسوده شده بودند که محتوای شان بردانش موجود در باره زبان باختری چیزی مهمی نمی افزود.

در سال ۱۹۹۳ م. کتیبه یی چهره از نقاب خاک بدرآورد که از لحاظ اهمیت بی نظیر بود. این کتیبه بطور اتفاقی در محلی به نام رباطک در چند میلی شمال غرب سرخ کوتل، در کنار جاده پل خمری به ایبک به دست آمد(تصویر ۲).

کتیبه رباطک بیانگر رویدادهای نخستین سال پادشاهی کنیشکا است. سطور آغازین کتیبه پادشاه را با القاب" منجی بزرگ، عادل وپرهیزکار، حاکم مطلق، شایسته ستایش، کسی که پادشاهی را از الهه نانا و سایر ایزدان دریافت داشته، کسی که سال نخستین را برای خشنودی ایزدان بنیادکرده"میخواند. سپس جمله اصلی کتیبه اینطور بیان میگردد: "کنیشکا فرمانی به زبان یونانی و سپس آنرا به زبان" آرینی"صادرکرد." اگرچه اساسا هر یک از زبان های خانواده هندو ایرانی را میتوان"آرینی" خواند لیکن آن گاه که کنیشکا در فرمان خود اشارت به زبان "آرینی" دارد مراد او مطمئناً زبان باختری است. بسیار مشکل است و نمیتوان تاکید کنیشکا را براستفاده از "زبان آرینی" با تعویض زبان یونانی به زبان باختری درضرب سکه ها نامربوط دانست. شواهد سکه شناسی دلالت بر این دارد که این رویداد باید در همان سال های نخستین پادشاهی کنیشکا وبه احتمال قوی در همان نخستین سال سلطنت وی صورت گرفته باشد.

بخش اعظم کتیبه رباطک راجع به تاسیس یک معبد است که شاید در همان منطقه رباطک بوده باشد، زیرا رباطک ساحه وسیعی را در برمیگرفته وازسوی دیگر فهرست ایزدانی که میبایست دراین معبد پرستش شوند بسیار شگفت انگیز مینمایند. ازیک طرف این کتیبه از نام دوخداوند زردشتی به نامهای "نارسه" و"سروش" که برروی مسکوکات کوشانی ذکری ازآنها به میان نرفته، یاد میکند وازطرف دیگر از نامهای فراوانی که برروی مسکوکات کوشانی به مراتب دیده شده اند، مثل نام "آردخش" الهه برکت وفراوانی و"ما" الهه مهتاب هیچ یاد نمی کند.

بالای فهرست اسامی ایزدان ایرانی برخی واژه هایی با حروف کوچک افزوده شده اند که گویابرای مشخص نمودن این اسامی ازاسامی ایزدان مشهور هندی که تحت عنوانهای مهاسینا یا ویساک شناخته میشدند، بکاررفته است.

به نظر میرسد که معبد رباطک به منظور نصب پیکره های شاهان و ایزدان پی ریزی شده باشد. در فرمان کنیشکا، روی کتیبه رباطک نام چهار پادشاه دیده میشود: کجولا کد فیزس (جد ش)، ویما تکتو(پدرکلانش)، ویما کدفیزس(پدرش) و کنیشکا (خودش). این فهرست حاوی اطلاعات مفید فراوانی است. اولتراز همه این کتیبه دارای شواهدی میباشد مبنی بروجود دو پادشاه تحت نامهای ویما در دوران کوشانیان نه یکی. به همین دلیل چندین کتیبه ای راکه قبلاً به ویما کدفیزس نسبت گرفته بودند میتوانیم اکنون به پدرش و یما تکتونسبت دهیم.

یکی از مهمترین این کشفیات عبارت است ازکشف کتیبه "دشت ناور" که شاید ازسال ۹٤ میلادی باشد. به احتمال قوی سکه های آن پادشاه گمنام، سوترمیگاس، (منجی بزرگ) که درادوارسکه شناسی ما بین مسکوکات کجولا و ویما کدفیزس قرارمیگیرند،باید به همین "ویمای" تازه شناخته شده نسبت داده شود.

برعلاوه، این اشارت که کجولا کدفیزس جد کنیشکا بوده، ظاهراً بر منازعاتی که برسرمساله تاریخ کنیشکا به وجود آورده بی تاثیرنباشد. این حقیقت که کنیشکابه نسل سوم پس از کجولا تعلق دارد واضحاً محدودیت هایی را برروش کرونولوژی بازسازی دوره کوشانیان تحمیل میکند. اگر چه من تا آنجا پیش نخواهم رفت که بگویم این حقایق جدید فقط با یک سسیتم کرونولوژی منفرد همگرایی دارد و بس ، چنانکه شجره کنیشکا در کتیبه رباطک تصدیق شده وباراه حلی که هری فالک (Harry Falk) اخیراً ارائه نموده کاملاً تطبیق می نماید.

آقای هری فالک کتیبه نجومی هندیی را کشف نمودند که به نظر میرسد این کتیبه سال نخستین پادشاهی کنیشکا را سال ۱۲۷ میلادی بیان میدارد.

اندکی کمتر از صد سال بعد، درحدود ۲۲٤ میلادی دولت ساسانی درایران اقتدار را به دست گرفت وبه بلخ لشکرکشی نمودند وآنجارا تسخیر کردند. متعاقباًبلخ چندین مرتبه دیگرموردتاخت وتاز بادیه نشینان قرارگرفت و این مهاجمین هربار به نامهای گوناگونی ازقبیل خیونی، هونهای کیداری و هفتلیها خوانده شده اند ولی هویت شان روشن نبوده که آیا ایشان به اقوام مختلف تعلق داشته اند یااز یک قوم واحد بوده اند. مهمانان ناخواندهء دیگر عبارت بودنداز ترکان، که دراواسط قرن ششم میلادی با دولت ساسانی برای براندازی دولت هفتلی ها همدست گردیدند و درنهایت با آمدن اسلام وعربهاهمه دودمانهاوحکومتهای منطقه ای به زباله دان تاریخ سپرده شدند.

تاریخ این دوره، از ساسانیها گرفته تا حاکمیت عرب با کشف اسناد دسته دوم روشنایی می یابد. دردسمبرسال ۱۹۹۱ میلادی تصاویرجدیدی از کشفیات نوین اسناد زبان باختری برروی چرم به من نشان داده شد. این سند در هر دو

روی چرم ودر بیست و هشت سطر به خط شکسته زبان باختری نوشته شده بود که این ویژگی، این سند را ازجمله غنی ترین و عالی ترین نمونه های زبان باختری به خط شکسته که مانندش پیش ازاین دیده نشده بود، میگردانید (تصویر۳). این سند واضحاً یک نامه است که شامل جملات وعبارات معمولی به مخاطب و احوال پرسیهای همیشگی است که درنامه های سغدی هم اینگونه جملات دیده شده اند:" به پیشگاه بزرگوارتان هزاربار وده هزاربار کرنش ودرود وستایش از سوی[فلانی] که افتخار بندگی دارد. شنیده شد که حضرت والا درکمال تندرستی هستید بسیار خرسند گردیدم، ولی ایکاش میشد که آن والا تبار را ازنزدیک زیارت نموده وزمین ادب ببوسم...". اگربخواهیم ازروی اسامی اشخاص مثل اورمزد وخسرو قضاوت نماییم، باید گفت این سند به دوره ساسانی ها تعلق دارد ویک نام قابل توجه دیگر عبارت است از "پرلنگ زین" که ظاهراً معنایش "مردی باپوست پلنگ باشد" واین نامی است که صریحاً به زین افزار پلنگینه رستم دستان ، قهرمان شاهنامه فردوسی اشاره میکند.

این سند نخستین مشتی ازیک خرواربود و درطی ده سال آینده مجموعه اسناد زبان باختری به یک صد وپنجاه پارچه افزایش یافت وبیشتر این اسناد ازطریق بازار پشاوربه مارکت های بین المللی سرازیر شدند وسپس راه خود به مجموعه های شخصی کلکسیونرهادر لندن و دیگر شهرها پیدا نمودند. متأسفانه درباره منشأاین اسناد ومحل حقیقی کشف شان چیزی نمیدانیم لیکن شواهد درونی این اسناد، بویژه تکرار عین نامها درچندین سند بیانگراین مطلب است که اغلب آنهاازیک مبدأسرچشمه گرفته اند.

بخش اعظم این اسناد رانامه ها تشکیل میدهند، برخی ازنامه ها هنوزهم سربسته هستند و میتوان گفت کاملاً دست نخورده ومحفوظ مانده اند. (تصویر٤) یک نامه را بامهر وسرغچ گلی وچند حرف که نشانی گیرنده است، نشان میدهد.

(تصویر٥) همان نامه را پس از بازشدن نشان میدهد وشما دراین نامه شیوه نگارش متن و حاشیه فراخ سمت چپ آن، وطریقهء اتصال مهر بوسیله یک تکه چرم بریده شده درقسمت تحتانی نامه(بدون آن که ازآن کاملاً جدا باشد) را می بینید.

یکی ازنامه ها اشارتی به یک کوشان شاه دارد. کوشان شاه، یا "شاه کوشانیها" نوعی نایب السلطنه بوده که غالباً ازبین شاهزادگان سلطنتی برگزیده میشدند واز طریق ایشان ساسانیها مرزهای دورافتاده امپراطوری وسیع خود را اداره میکردند. این کوشان شاه منحصربفرد که "وراهران" یا" بهرام" خوانده شده است، احتمالاً ازجمله آخرین کوشان شاهان متأخر باشد که وی رامیتوانیم ازروی سکه های کوشانو ساسانی ها بشناسیم. اشخاص دیگریادآوری نموده اند که دراین نامه از یک شاهدخت فارسی به نام "دخت انوش" وغلام حرمسرای اوکه یک نام باختری به معنای "خدابنده" داشته، نیز ذکربه میان رفته است. به جز مقام رفیع اشخاص داخل نامه، مضمون نامه هم خیلی منحصربفرد بوده ومبین مناقشات مادی ومشاجرات دنیوی دربارهء یک گله گوسفند ومقداری حبوبات است.

نامه نمایش داده شده در(تصویر٦) به دو دلیل دارای اهمیت میباشد:

اولاً این نامه توسط شخص نماینده شاهنشاه ساسانی نوشته شده، پس مربوط است به یکی از ادواری که ولایت بلخ دراشغال ساسانیها بوده ودوم اینکه این نامه دارای تاریخ است، اگرچه مشخص نیست که این تاریخ به کدام دوره تعلق میگیرد.

به احتمال زیاد دوره یاد شده دراین نامه همان دوره ای است که درکتیبه باختری دره توچی پاکستان نیز بکار رفته است. این کتیبه ها به زبانهای عربی، سنسکریت وباختری نوشته شده اند وسالهایی از سه دوره متفاوت را دربرمیگیرند. مدارک اصلی که بیانگر نقطه آغازدوره باختری باشد، ازروی دوکتیبه دوزبانه بدست آمده که کتیبه اولی به زبان عربی وسنسکریت بوده و متن عربی آن طبعاً تاریخ هجری خورده است.این تاریخ گویاو واضح هجری مارا قادرمیسازدکه بتوانیم تفسیری روشن از تاریخ سنسکریت که بطور خلاصه وباحذف صدها وهزارها نوشته شده اند، بیان بداریم. کتیبه دوزبانه دیگر به زبان سنسکریت و باختریست اینجا هم تاریخ سنسکریت مخفف شده ولی اگر فرض شود که این کتیبه به همان قرنی تعلق دارد که کتیبه دوزبانه عربی- سنسکریت تعلق داشت ، اعداد مخفف شده را میتوان بازسازی کرد وسال ٨٦٣ میلادی راازآن نتیجه گرفت.متن این کتیبه باختری دارای تاریخ با ارقام یونانی است. نخستین ویراستار متون باختری هِلموت هومباخ این اعداد را٦٣٢١ میخواند. براساس مواد جدیداً کشف شده ، من رقم آخری این عدد راعدد ١ به جای عدد ٢ میخوانم، لیکن تفاوت یک سال بسیار مهم نخواهد

بود. بهرحال تاریخ باختری مبین وجود شروع یک دوره ازاوایل دوره ساسانی ازسال ۲۳۲ (بقول هو مباخ) یا ۲۳۳ (بقول من) است. بسیار مایلم که نظریه هومباخ را درمورد دوره کوشانو ساسانی بپذیرم، دوره ای که نقطه آغاز آن را غلبه ساسانیها برامپراطوری کوشانیان تشکیل میدهد.

برگردیم به نامه باختری که تاریخش را میتوان ۲۳۹ خواند. اگر دوره تاریخگذاری درسال۲۳۳ شروع شده باشد سال ۲۳۹ برابر است با ۷٤۱ میلادی، دوران فرمانروایی پروز، که سالهای زیادی ازسلطنتش را درجنگ با هفتلیها درشرق امپراطوریش سپری کرد وبالاخره دراین جنگهانیز کشته شد. آیا واژه پیروز پیش ازعنوان شهنشاه دراین نامه باختری امری تصادفی است؟ متأسفانه، واژه پروزدرفارسی میانه نه فقط اسم خاص است بلکه یک صفت عام و به معنای فاتح نیزمیباشد. پس به طور یقین نمی توان دانست که ما باید شهنشاه را به نام پروز بخوانیم ویا پیروز را صفت شاهنشاه .

پس از نامه ها بخش اعظم متون را قباله های شرعی واسناد مشابهی از قبیل: اسناد خرید وفروش، اجاره نامه ها، ضمانت خط، رسیدها، اسناد بخشش و پیشکشها تشکیل میدهند. یک سند بسیارخاص و جالب- که درواقع کهن ترین اسناد تاریخدارمیباشد- سند ازدواجی است که درآن یک زن با دو برادردر یک زمان عقد ازدواج می بندد. حقیقت رسم چند شوهری در اندک اسناد اخیرچینایی ها هم رؤیت شده ودر اینجا با یک سند دست اول تأیید می شود که ظاهراًاین رسم در این منطقه کاملاً امری خاص است.

برخلاف نامه ها و متون بودایی ، اسناد شرعی مانند این مجموعه اسناد پیوسته تاریخدار بوده تاجایی که من تقریباً از سی سند خبردارم که تاریخ شان از ۱۱۰ تا ٥٤۹ یعنی (اگرقبول کنیم که دوره تاریخگذاری زبان باختری از سال ۲۳۳ میلادی شروع شود.) از ۳٤۲ تا ۷۸۱ میلادی میرسد. این فاصلهء زمانی بیش ازچهار قرن دوره های غیونیها، کیداریها ، هفتلیها وترکها را دربر میگیرد و حتی گستره‌ء آن به دوره اسلامی نیز میرسد. بطوری که درذیل خواهیم دیداین اسناد حاوی تشریحاتیست که میتوان با این تشریحات چوکات کرونولوژیک تاریخگذاری رامورد آزمایش قرارداد. بطورمثال(تصویر۷)، قباله فروش زمینی را نشان میدهد که تاریخ آن سال ۲۹٥ میباشد و من این تاریخ رابه سال ٥۲۷ میلادی روزگار حاکمیت هفتلیها تفسیر میکنم. این موضوع با مطالب متن نیزسازگاراست که میگوید "مالیات هفتلیها" بردارایی بسته میشده است. اگرچه این نمونه به طور استثنایی خوب حفظ شده ولی ترکیب سند هم تیپیک است. این متن دردو نسخه است. یکی باز وقابل خواندن ودیگری بوسیلهء رشته طنابی بسته وبا پنج مهر گِلی ممهور گشته است.دومهراولی دارای نشان انگشت فروشندگان بوده وسه مهردیگر مهرهای سه شاهد میباشدند. ظاهراً اینطوردرنظربوده که درصورت بروزمناقشه نسخه ممهوررا درحضور قاضی بازنمایند. درپشت سند(تصویر۸) نام فروشندگان وشهود در کنار سوراخ هایی که برای گذراندن رشمه ایجاد گردیده، نوشته شده است.

بسیاری از این اسناد قانونی برعلاوهء تاریخ، اسامی مکانها را نیزذکرکرده اندواین اسامی شامل نام مناطقی میباشند که اسناد در آنجا به قید تحریر درآمده اند. (تصویر۹)

چندین عددازاین اسناد اینطوربیان میدارند که این اسناد درسمنگان، روب (روی امروزی)، ملر(یا مدر)، یا کُه (کهمرد امروزی) نوشته شده اند. شاید این چهار مکان درداخل حوزه اداری شخصی بوده که دربیشتر اسناد "پادشاه روب" خوانده شده است. وشایدازسوی دیگر، ترمید(یا ترمذ) درشمال آمودریا وبامیان که بوسیله رشته کوه های مرتفع از " کُه" و"مدر" جدا میشود ازقلمروحکومت او بیرون بوده باشد."رُب خان" را بدون شک باید حاکم "روب" دانست که "روب" و"سمنجان" جزوقلمرواو بودند وبه قول مورخ معروف، طبری "رُب خان" ازفرمانروایانی است که برای سرکوبی یکی ازیاغیان هفتلیها به نام "نزک ترخان" درسال ۹۱ هجری به کمک قطب الدین بن مسلم شتافت.

یک سند دیگر درمحلی به نام "ورنو" نوشته شده که این شهررا بدون شک میتوانیم "اورنوس" بخوانیم و"آریان" مورخ اسکندرکبیراز این شهربعنوان یکی ازدوشهرمهم بلخ یاد کرده است. بقول بسیاری از دانشمندان، شهر **"اورنوس"** که آریان ازآن نام برده، باید درنزدیکی شهر خلم یا تاشقرغان بوده باشد، جایی که رودخانه خلم – منطقه ای که "روب" و "سمنگان" درآنجا قراردارند- به سوی دشتهای هموار سرازیرمیشود.

سند دیگری که میخواهم درباره آن صحبت نمایم قباله‌ء فروش یک برده است واین گونه آغاز میگردد: "درسال ٤٤٦ درماه "اب" و درروز"وهمن" این سند ممهور گردیده و این قباله‌ء فروش در این جا شهر سمنگان دردربار پادشاه روب درماروگان نوشته شده است". سال ٤٤٦ باید برابر با سال ٦٧٨ میلادی باشدکه درین دوران القاب واسامی ترکی معمول بوده، چنانچه درفهرست شهود ذیل مشاهده خواهیم کرد: "درحمایت ایزد 'رامست'، عطاکننده رحمت ها ، برآورنده آرزوها، بزرگی که اینجا در"ماروگان" پرستش میشود، و دردربارتحت حمایت "ژون لاد" فرزند شابورکامکار، قاغان پیروزمند، تُپُغ لُغ التشبیر، پادشاه روب ودرحضور خسرو ترخان، ودر حضور دیوراز داور دلاورحکام روب، ونیز درحضور دیگر سرداران که درباره این امر حاضر بودند وشاهد وگواهند."

این سند مهم با پنج مهر ممهورگشته و مالکانش درپشت سند نام برده شده اند. به گونه قابل توجهی مهرهای شهود شامل نام ایزد"رامست" است که ظاهراً ازطرف روحانی اش نمایندگی میشده و به همین گونه اسناد دیگر دربین شهود شامل نام ایزد "وخش" (ایزد دریای آمو) میباشد.

متن ادامه می دهد: "اکنون من یسکول ومن یزدگرد، فرزندان کاو، باشندگان خوست که هم اکنون درمنطقه سمنگان میباشیم وبرادران وفرزندانمان فروخته ایم به تو "فنز" ، به تو وینامارگ وبه تو پوسک، فرزندان بگ ماریگ، به شماکه ملکیت تان گبلیان نام دارد، وبه برادران تو، فرزندان واخلاف تو، یک بچه که ازما برادران بود. این بچه راکه نامش (خلس) است به سه درهم فارسی فروخته ایم، چون نمیتوانیم اورا درین قحطی اعاشه کنیم. پس حالا بچه مذکوریقیناً به تو"فنز" ، وبه تو وینامارگ ، برادرانت، فرزندانت واخلافت تا ابد الآباد تعلق خواهد داشت".

امیدوارم اقتباسات بالا اندکی ازروحیه اصطلاحات شرعی وحقوقی این مجموعه‌ء اسناد رابیان نماید ، اسنادی که مشابه آنها رامیتوان درنوشته های زبانهای آسیای مرکزی ازقبیل سغدی، ترکی واسناد آرامی سده پنجم الفانتین مصر مشاهده نمود.

سند جالب دیگری که دارای تاریخ باختری ٤٧٨ (مقارن ٧١٠ میلادی) است به ماه (دومین سال نو) مربوط می شود. این سند قباله بخشش یک قطعه زمین ویک کنیزک به ایزد "کامیرد" وکشیش اوست که ظاهراً درازای شفای یکی ازاعضای خانواده بخشنده اعطا میگردد. "کامیرد" ازنظرلغوی به معنای "سر" و "سردار" است که احتمالاً این کلمه لقب ایزد است نه نامش.

واژه کِد (ked) به ظن قریب به یقین سرچشمه ازواژه چینی"جی دو"(Ji-duo) وشکل کهنترآن"کج تا"(kej-ta) گرفته است که زائر بودایی مشهور چینی هیوان تسنگ این اسامی را نامهای پرستش کنندگان"ژون" ایزد زابلستان، در جنوب هندوکش یادکرده است. این ایزد درسرزمین تحت تسلط روب هم پیروانی داشته واین نکته رادرنام پادشاه آن سرزمین درسند قبلی میتوان مشاهده کرد. ژون لاد به معنی لغوی " ژون داده" به احتمال قوی همان ایزدیست که تحت عنوان کامیرد (سردار) شناخته شده است.

شخص بخشنده در سند حاضرکه ملکه یک پادشاه است بااسامی ترکی قُتلغ تپغ لیغ بیلگاسووگ "خوشبخت" ، "مالک هستی"،"عاقل" ، "محبوب" یادشده است که این ملکه را به حیث ملکه" خلس" هم خوانده اند. واژه "خلس" که درسند قبلی نام برده یی بود احتمالاً قبیله ای ترکی به نام "خلج" میباشد که درین صورت این سند ازشواهد کهن آن بشمارمیآید.

یکی ازاسناد بسیار تازه زبان باختری قباله فروشی است که تاریخ ٥٢٥ (مصادف ٧٥٧میلادی) رادارد. میخواهم توجه شما را به بخشهایی از این قرارداد جلب نمایم. اولین بخش این قرارداد حقوق مالک جدید یک ملکیت رااینطوربیان میدارد:" مالک شدن ومالک ماندن بریک ملکیت، فروختن آن، بخشیدن ویابه گرو گذاشتن ملکیت، کرایه دادن آن، بدل کردن زمین با قطعه زمینی دیگر، کابین فرزند گذاشتن ویابه جهازدختران سپردن، معبد ساختن ویا به مصرف گورستان رسانیدن ویا محل حریق مردگان گردانیدن". اینجا اصطلاح (ویهارا) برای یک معبد بودایی بالغت باختری (معبد) مغایرت دارد که ظاهراً این اصطلاح برای یک معبد غیربودایی اطلاق شده است. تفاوت مشابهی نیز بین دواسم زیرکه ظاهراً مکان گذاشتن اجساد بوده دیده میشود: *لخمیگ* که شاید مترادف اصطلاح اوستایی دخمه ودخمگ فارسی میانه باشد اصطلاحاتی هستند که معمولاً اشاره به ساختمانی درمراسم مذهبی زردشتیان دارند و بعضی اوقات این اصطلاحات به معنای قبرنیزبکاررفته اند. درصورتیکه اصطلاح لخشاتینگ که شاید مشتق ازریشه کلمه ای به معنای سوزاندن باشد اشاره به رسم مرده سوزانی غیرزردشتی (شاید هندی) دارد.

همه این اصطلاحات واسامی اشخاص که درقالب نام ایزدان بیان گردیده اند، یک نگاه اجمالی ازتنوع اعتقادات مذهبی ورسوم عبادی پیش از اسلام دراین منطقه را بیان میدارند.

درقراردادهای اولیه نرخ اشیا بوسیله دینارطلا ویا دینارنقره فارسی نوشته میشده درحالیکه متون اخیربه "درهم نقره عربی" اشاره میکنند. برعلاوه متن حاضربرای اولین وآخرین باراز پرداخت مالیات به حاکمیت عرب یادمیکند. اندکی بعدتر زبان عربی باید به جای زبان باختری به حیث زبان نوشتاری منطقه درآمده باشد که درحقیقت چند سند محدود عربی به دست آمده بیانگراین مطلب هستند که این سناد ادامه همان آرشیف گذشته میباشند (تصویر ۱۰). ازآنجاییکه در متون عربی وباختری ازاسامی دودمانها واشخاص مشابهی نام برده میشود پس یقیناً میتوان مطمئن بود که این اسناد بهم مربوط بوده اند.

آخرین سندی که میخواهم امروزدرباره آن صحبت نمایم یک کتیبه باختری ازاوایل دوران اسلامی با مضمون کاملاً بودایی است(تصویر ۱۱). این کتیبه که هنوز منتشرنگردیده درسال ۱۹۹٦ از تنگ سفیدک در ۳۰ کیلومتری غرب یکاولنگ بدست آمده وحاوی ۱۳ سطر کنده شده با الفبای شکسته زبان باختری روی تخته سنگی یک پارچه میباشد که ازمحل اصلی آن برروی دیوار حجره ای مربع شکل باابعاد سه متربدست آمده است. چنانچه خواهیم دید این کتیبه نشان میدهد که این حجره مربع شکل اساس یک ستوپه بودایی بوده ودرحقیقت تعدادی آثار که متعلق به ستوپه ها میباشند دراین حجره مربع شکل بدست آمده است: یک کتاب (که اکنون مفقود گردیده)، یک انگشترطلا، مسکوکات، یک بوتل شیشه ای ودیگر چیزها.

مانند کتیبه های سرخ کوتل ورباطک، کتیبه تنگ سفیدک نیزهم اکنون به صورت خوبی درموزیم ملی کابل نگهداری میشود ومن آنرادراین اواخربه لطف آقای مسعودی ، رئیس موزیمها، درموزیم کابل مورد مطالعه قراردادم.

این کتیبه دارای تاریخ ماه سبول(یعنی کوزه)، مانند نام ماه دلو امروزی میباشد ومربوط به سال ٤٩٢ مقارن ٧٢٤ میلادی است. درکتیبه آمده که درین سال پادشاه گزن، الخیس فرزند خراس، این استوپه را (همچون) یک آبده (مذهبی) دردشت زمگان برپا داشت، وبعد چنین ادامه می دهد: (درآن زمان) پادشاهی ترک (؟) وپادشاهی عرب بود، پیشکش های شایسته من مورد قبول افتاد،... وسپس من این(استوپه به نام) "زینالاکا" را (همچون) یک پیشکش شایسته با طوع ورغبت(؟) ایمانی که نسبت به تعلیمات بودا داشتم، از صمیم دل ساختم .... وهرآنچه که نیکوست پیش آید، اکنون ودرآینده، امیدوارم من، الخیس، والدینم، همسرم، برادرانم، فرزندانم و (سایر) وابستگانم، هرکدام (و) هرشخص (ازما) به خواسته های خودش نائل گردند." وکتیبه با این جمله پایان میپذیرد: "درود بربودا".

اگر چه بخش اعظم این متن ازنوع مضامین متداول است ولی بعضی نکات معلوماتی ازقبیل نام مکان(زمگان) واسامی پادشاهان(الخیس، وپدرش خراس) رانیزدربردارد. الخیس خودش را پادشاه غزن میخواند نام غزن ذهن را به گونه ای می فریبد که تصور شود این نام همان شهر غزنی است، اگرچه تحقیقات باستانشناسی زیادی ضرورت است تا ثابت شود که آیا منطقه کشف کتیبه و ستوپه،در حوزه نفوذ اداری شهر غزنی آن روزگاربوده یاخیر. گذشته ازهمه، کتیبه تنگ سفیدک بعنوان شاهدی ازتداوم ومقاومت کیش بودایی ، علیرغم تمام سختیها ومشکلات، تااواخر قرن هشتم میلادی دارای اهمیت خاصی است

tarikhema.org

دسپچ دکتا بتون دخپرونولړی

د باختري ژ بې په هکله وروستنۍ موند نې او دهغو تاريخي ارزښت

پرو فيسور نيکو لاس سيمز ويليمز

دلندن دپو هنتون دنږدې او لرې ختيځ دختيځو اوافر يقا يي مطا لعا تود ځانګې غړی

دکابل پوهنتون په ادیتوریم کې لکچر
د مې ۱۹، ۲۰۰۳م
ترتيبوونکی: دافغانستان دفرهنګي ميراث ساتنې ټولنه

افغانستان دفرهنګي ميراث ساتنې ټولنه
۲۰۰٤

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

دسپچ دکتا بتون دخپر ونولړی

دافغا نستان دفر هنګي ميرا ث ساتنې تولنه (اداره)چې په کابل کې مو قعيت لري ،بنسټ يې په ۱۹۹٤م کال ايښودل شوی دی .دمعلوماتو او اطلاعاتو شريکول او دافغا نستان دفر هنګي ميراثو نو دسا تنې له پاره دموسسو ،ارګا نو نو داخلي او بهر نيو ادارو هڅونه ددغه اداري دهد فونو په توګه يادولی شو.

د سپچ اداره دخپلو غړيو په ملا تړ او همکاری،دافغا نستان دلر غو نو آثا رو،ودانيو، موزيمونو ، دتاريخي آبدا تود ساحو دحالت دعکسو نودمجمو عې په برابرولو بريا لی شوې ده، .يوه ويب سا يټې خبري پاڼه ددغه دفتر دفعا ليتونو دتشريح او وړا ندې کولو په منظو ر دافغا نانو او نړيوالې ټو لنې له پا ره خپر يږي.دغه دفتر عمومي اړيکې (ارتباطات)دمطبوعاتو او ډله ييزو وينا ګانو له لارې ترويج او هڅوي.

دخبرتيا او معلو ماتو دزياتولو په خاطر ددغه دفتر دهلو ځلو او فعا ليتونو په نوم د سپچ دکتابتون دخپرونولړی دلوستونکو دمعلو ماتو له پاره دافغا نستان دفرهنګي ميراثونو دبيلا بيلو ډولونوپه هکله تهيه او برابره شوې ده چې ددغې لړی هره خپر ونه يوه تاريخي آبده ،يوه لرغوني سيمه اوساحه او نورو فرهنګي موضوعاتو ته ځانګړې شوي ده.

دمتخصصينو وړاندې شوې مقا لې ددې دفتر دتد قيق اوايډيټ دڅانګې له خوا تا کل کيږ ي او په دري ، پښتو او انګليسي ژبو خپريږي.

ددې لړی دخپرونو هدف په هر اړخيزه توګه دلو ستونکو دپوهې دسطحې لو ړول دي .

سر ليك: د باختري ژ بې په هکله وروستنی موندنې او دهغو تاريخي ارزښت

ليکوال: پرو فيسور نيکو لاس سيمز ويليمز

ژباړونکي: استادپوهاند سرور همايون او ميراحمد جو ينده (دري)- محقق سيد محی الدين هاشمي(پښتو)

ايډيټور : محمد ضياء افشار (دري)- محقق سيد محی الدين هاشمي(پښتو)

طراح: عابد سعيدي، برندن کسر

خپروونکی: سپچ، کابل ۲۰۰٤

پته: کلو له پشته ،دريم سرك، کا بل، افغانستان

ايمل: spach@hotmail.com

وب سايت: www.spach.info

چاپ شمير(تيراژ): ۱۰۰۰ توکه

pdf.tarikhema.org

د باختري ژ بې په هکله وروستنۍ موندنې او دهغو تاريخي ارزښت

نـن بـه زه دبـاختري ژبې،چـې دافغانسـتان دشـمال بـاختري سـيمو يـا دبـاختردمرکز، نننـي بلـخ، لرغـوني ژبـه ده ،اسنادواوډبرليکونو په هکله بحث اوخبرې وکړم.

باختري ژبه دهند وايراني ژبو له کورنۍ څخه يوازينۍ ژبه ده چې معمولاً په يوناني ليکدود (رسم الخط) ليکل کيده. دغه ژبه له ميلاد څخه دمخه په څلورمه پيړۍ کې پر افغانستان باندې دمقدوني سکندر له تاړاکونو او يرغلونو څخه پاتې ده. له هغې زمانې څخه راوروسته تردېره وخته پورې يوناني ژبه اوليکدود داداري چارودسرته رسولو،د فرهنګ انعکاس اوخپرولو يوازينۍ وسيله وه. هغه وخت چې بلخ دافغانستان دشمال دکوچې او صحرا يې استوګنو دآسونو ترسومونو لاندې راغې، ددې هيواد نويوواکمنانو، يعنې کوشانيانو ، په لومړيو کې يوناني ژبه دخپلو اداري کارونو دپرمخبيولو له پاره ومنله، مګرلږه موده وروسته يې بومي باختري ژبه ديوناني ليکدود اوالفبا څخه په استفادې وليکله.

دباختري ژبې له پاره يوه ډيره مهمه تاريخي دوره هماغه وه چې دکوشاني عصر سترواکمن (پاچا) کنيشکا هوډ وکړچې له دغې ژبې څخه دسکې وهلوله پاره هم کارواخلي.

دکنيشکا دلومړيوسکوله خپريدو څخه وروسته دلومړي ځل له پاره يوناني ژبې خپل ځای دتل له پاره باختري ژبې ته پريښود.

په لومړيومسيحي پيړيو کې باختري ژبه دنړۍ له مشهورو اوسترو ژبوڅخه ګڼل کيده، ځکه چې باختري ژبه ياد کوشاني پاچاها نو ژبه دکوشانيانو دلويې امپراتورۍ په ټولو سيمو، يعنې په افغانستان، دهندوستان په شمالي برخو اودمنځنۍ آسيا په مرکزي برخوکې رسمي ژبه وه او په پراخه توګه ورڅخه استفاده کيدله. ان داچې د کوشانيانو دامپراتورۍ له رنګيدوڅخه وروسته، د پاکستان دتوچې په وادي کې دنهمې پيړۍ له د بودايانو په لاس ليکلو آثارو څخه ترشپږ وپيړيو پورې کاراخيستل شوی دی. دفرهنګ دعرادې په توګه دزروکلونوپه اوږدوکې دباختري ژبې نقش همداسې دوام وموند.

څلويښت کاله دمخه هم دباختري ژبې په هکله دکوشانيانو اودهغوی پرځای ناستودسکوپرمخ دانځورونو اوليکنوڅخه پرته بل هيڅ سند اومدرک په لاس کې نه و. دکوشانيانو دسکوپرمخ يوناني الفبا په زاويه لرونکي ډول حک شوې ده ،چې ظاهراً دليکنو له دې ډول څخه ديادګاري ډبرليکونو دليکلو له پاره کاراخيستل کيده،چې دسکوپرمخ دليکنو لوستل په اسانه توګه کيدی شول،مګرددې ليکنومحتوا دپاچاهانو اوآلهونومونو اولقبونو ته ځانګړې (خاصه) شوې ده.

دوروستيو باختري پاچاهانو، لکه کوشانوساسانيان، کيداريان، هفتليان، ترکان اونوروسکې په شکست خط او ډډبرليکونو له ليک څخه په اقتباس په داسې بڼه ليکل شوې دي چې دهغو لوستل په مراتبوستونزمن اوله مشکلاتو ډک دي.د هغودشلمې پيړۍ له لومړيو څخه راوروسته څوپه لاس ليکل شوې قطعې ترلاسه شوې دي چې په ليکلوکې يې دمشابه شکست ليک له ليکدودڅخه کاراخيستل شوی، مګرددې ډول ليکنو شميره لږه او محتوايې هم نيمګړې ده، چې نشوکولی دهغورښتينی تفسير اوتعبير بيان کړو.

دافغانستان دفرهنګي ميراث ساتنې ټولنه

tarikhema.org

دغې موضوع په ۱۹۵۷ م کال دبغلان په شاوخواکې د سرخ کوتل دمهم لومړني باختري ډبرليك په پيداکيدلو بدلون وموند.(لومړي انځور)

ددې ډبرليك متن دهغوکوشاني سکودليکنوله مخې چې دمخه پيژندل شوې وې، په اسانۍ دپيژندلو او لوستلوورو. مګرداچې دمسکوکاتو ليکنې ډيرمحدود لغات اوکلمې زموږ په واك کې راکوي، ګرامراو دجملو جوړښت ته هيڅ ډول اشاره نه لري، ددډبرليك دمتن تشريح له ستونزوسره مخامخ شوې وه.

له دې سره سره هم "و ب· هنينك" وکړای شول چې په چتکۍ دهغې مهم ټکي پيدا کړي. ددډبرليك متن دامپراتورکنيشکا له خوادیو عبادت ځای دبنسټ ايښودلو او داوبورسولو دستونزې له املە ددې عبادت ځای دپرېښودلو او دکنيشکا دوخت په ۳۱ کال دهويشکا دواکمنۍ په لومړيوکې دنوکونزوك په نوم ديولوړپوړي چارواکي په واسطه ددې عبادت ځای پرانيستنې ته اشاره کوي.

دسرخ کوتل ډبرليك له پيداکيدوڅخه وروسته څونور باختري ډبرليکونه هم ترلاسه شول، مګردغه ډبرليکونه داسې زاړه شوي ووچې محتوياتويې دباختري ژبې په هکله معلوماتو کې څه زياتوالی نه راوست.

په ۱۹۹۳ م کال په خاوروکې يو بل ډبرليك هم وموندل شوچې داهميت په لحاظ يې ساری نه درلود. دغه ډبرليك په اتفاقي توګه درباطك په سيمه کې، دسرخ کوتل شمال لويديځ ته په څوکيلومتری کې دايبك- پلخمري سرك پر غاړه يوځای کې ترلاسه شو. (دويم انځور)

درباطك ډبرليك دکنيشکا پاچا دلومړي کال پيښې بيانوي. ددډبرليك دپيل کربنې پاچادلوی لارښود، عادل او پرهيزګار، مطلق حاکم، دستاينې وړ، هغه څوك چې پاچاهي يې دنانا له آلهې اونوروخدايانو څخه مونډلې ده، اوهغه څوك چې لومړی کال يې دخدايانو دخوښۍ له پاره بنسټ ايښی دی، په توګه يادوي، اووروسته بيادډبرليك اصلي جمله داسې بيانيږي : "کنيشکا يو فرمان په يوناني ژبه اوبيايې هغه په "آرينې" ژبه صادرکړ"

که څه هم اساساً کولی شو دهند وايراني ژبود کورنۍ هره ژبه "آرينې" وبولو، مګرکله چې کنيشکا په خپل فرمان کې "آرينې" ژبې ته اشاره کوي، مقصد اوموخه ورڅخه په باوري توګه باختري ژبه ده. ډيره مشکله ده اونشوکولی چې ديوناني ژبې پر ځای په سکوکي له "آرينې ژبې" څخه داستفادې له پاره دکنشکا تاکيد اوټينګارسره نامربوط وګڼو. دسکه پيژندنې شواهد پردې دلالت کوي چې دغه پيښه بايد دکنشکا دپاچا هۍ په لومړيو کلونوکې اوپه قوي احتمال دواکمنۍ په لومړي کال رامينځته شوې وي.

درباطك ددډبرليك لويه برخه ديو عبادت ځای دتأسيس په هکله ده ،چې ښايي دهمدغې رباطك په سيمه کې به و، ځکه چې رباطك يوه پراخه سيمه اوساحه وه اوله بلې خوا دهغو آلهو او خدای ګوټو فهرست چې په دې عبادت ځای کې يې بايد نمانځنه شوې وای، ډيرحيرانونکی و. له يوې خوا دغه ډبرليك د"تارسه" او "سروش" په نومونو ددوو زردشتي خدايانو يادونه کوي چې دکوشاني سکو پرمخ يې يادونه نه ده شوې اوله بلې خوا له هغوډيرونومونو څخه، چې دکوشاني سکوپرمخ څوځل ليدل شوي دي، لکه دبرکت اوپريمانۍ آلهه "آردخش" او دسپوږمۍ آلهه "ما" نومونه هيڅ نه يادوي. دايراني آلهو دفهرست پرسرځيني کلمې په کوچنيوتوروورزياتي شوې دي، چې دايې دهندي مشهوروآلهو څخه چې دمهاسينا يا ويساك په نومونو پيژ ندل کيدې، درابيلولو او مشخص کولو له پاره کارولې دي.

داسې ښکاري چې درباطك عبادت ځای بنست د پاچا هانو او آلهو دمجسمو دنصبولو او ځای پرځای کولو له پاره اینښودل شوی وي.

درباطك دډبرليك پرمخ دکنيشکا په فرمان کې دځلوروپاڅهانو نومونه ليدل کيږي: کجولا کد فيزس (غورنيکه يې)، ويما تکتو (دپلارپلار ـ نيکه)، اويما کدفيزس (پلاريې) اوکنيشکا (پخپله). دغه فهرست ډيرګټور معلومات لري. ترهرڅه لومړی دډبرليك، اسناد اوشواهد مورد ويما په نوم دکوشانيانو ددوروپاڅهانو له نوم سره آشناکوي، په همدې دليل څوډبرليکونه چې دمخه يې نسبت ويما کدفيزس ته شوی واوس کولی شو هغه يې پلارويما تکتو ته نسبت ورکړو.

ددغو کشفياتو اوموندنوڅخه يوه ډيره مهمه دناورددښتې دډبرليك له کشف اوموندنې څخه عبارت دی، چې ښايي په ۹٤ ميلادي کال پورې اړه ولري. په قوي احتمال ددغه نومورکي پاچا، سوترميګاس (لوی ژغورونکی) چې دسکه پيژ ند لو په دوروکې دکجولا او ويما کدفيزس دمسکوکاتو ترمينځ واقع کيږي، بايد همدغه نوي پيژندل شوي "ويما" ته يې نسبت وشي. له دې اشارو سربيره چې کجولا کدفيزس دکنيشکا غورنيکه و، ظاهراً به د کنيشکا دتاريخ پرمسأله، چې يې دشخړو دوريځولړی رامنيځته کړې ده، بې اغيزې نه ده. داحقيقت چې کنيشکا له کجولا څخه راوروسته په دريم پښت (نسل) پورې اړه لري، په ډاګه دکوشانيانود دورې دتاريخي پيښليك (کرونولوژي) دبيارغونې په روش باندې محدوديتونه تحميلوي. که څه هم زه به ترهغه ځايه مخکې لاړنشم چې ووايم چې دانوي حقايق يوازې اويوازې ديو ځانکړ ي کرونولوژيك سيستم سره همګرايي اوسمون لري اوبس. لکه څنګه چې دکنيشکا شجره درباطك به ډبرليك کې تصديق شوې اوله هغې حل لارې سره چې هري فالك په دې وروستيو کې وړاندې کړې په بشپړه توګه سمون خوري.

ښاغلي هري فالك هندي يو نجومي ډبرليك کشف کړی چې ورځخه څرګند يږي دغه ډبرليك دکنيشکا دپاچاهۍ کال ۱۲۷ ميلادي ښيي.

وروسته له لږڅه کموسلو کلونوڅخه، د۲۲٤ ميلادي په شاوخوا کې ساساني دولت په ايران کې دچارو واګې ترلاسه کړې، پربلخ يې يرغل وکړاوهغه يې ونيو. وروسته بيا بلخ څوځله ددغو صحرايي استوګنو تربريد لاندې راغی اوهرځل داتيري کوونکي په بيلابيلو نومونو، لکه: خيوني، کيداری او يفتلي هو نانوبلل شوي دي، مګرددوی داپيژند نه اوهويت څرګندنه وچې آيادوی په بيلابيلو قومونو پورې اړه درلوده اوکه له يوه قوم څخه وو. نورنابللي ميلمانه له ترکانو څخه عبارت وو، چې دشپږمې ميلادي پيړۍ په نيمايي کې يې دهفتليانو دراپرځولو له پاره له ساساني دولت سره لاس يوکړاوپه پای کې د اسلام دين اوعربوپه راتلګ سره ټولې سيمه ييزې واکمنې کورنۍ دتاريخ کندې ته وغورځيدې.

دغه دوره، له ساسانيانوڅخه رانيولې دعر بوترحاکميت پورې، ددويم لاس اسنادوپه کشف اوموندنه روښانه کيږي. د۱۹۹۱ ميلادي کال په دسمبرکې دځرمن پرمخ دباختري ژبې دنويومونډل شويو اسنادوعکسونه ماته راوښودل شول. دغه سند دپوستکي يا څرم پردواړو مخونوپه اته ويشتو کربنوکې دباختري ژبې په شکست ليك ليکل شوی و. ددغه سند داځانګړنه، دباختري ژبې په شکست خط دغسې لوړه،بډای اوبې ساري نمونه دمخه ليدل شوې نه وه. (دريم انځور).

داسند په څرګنده توګه يوليك دی چې پکې مخاطب ته دهغه داحوال پوښتنې له پاره معمولي جملې اوعبارتونه دي، چې په سغدي ليکونو کې هم دغه ډول جملې ليدل شوې دي: " ستاسو دمشرپه حضورکې زرځله اولس زره ځلي نمانځنې اوستاينې د[فلانی] له خواچې دبندګۍ وياړلري. وامې اوريدل چې حضرت والا بشپړه روغتيا لرئ، ډيرخوښ شوم، مګر کاشکې چې کيدای شوای تاسې مې له نږدې وليدلای او ځمکه مې له ادب اودرناوي ښکل کړای ..." که چيرې وغواړوچې

داشخاصو، لکه اورمزداوخسرودنومونوله مخې قضاوت وکړو، بايد ووايوچې دغه سند دساسانيانو په دوره پورې اړه لري. اويويل دپاملرنې ور نوم له "پرلنك زين" څخه عبارت دی، چې ظاهراً يې معنا "دپرانك پوست لرونکی سړی" ده اوداهغه نوم دی چې په څرګنده توګه دفردوسي دشاهنامې داتل "زين افزار پلنګينه رستم دستان" ته اشاره کوي.

داله خرواره ديوموټي له لومړيوسندونو څخه دي اوپه وروسته لسوکلونوکې دباختري ژبې دسند ونو مجموعه يوسلو پنځوس پارچو ته ورزياته شوه اوداسندونه دپيښوردبازار له لارې نړيوالو مارکيټونو کې ښکته پورته شول اوبيايې له هغه ځايه دلندن اونوروښارونو دکلکسيونرانو شخصي مجموعوته لاره پيدا کړه. متاسفانه ددې اسنادودمنشأ اودموندنې دحقيقي ځای په هکله په څه نه پوهيږم. داخلي شواهد، په ځانګړې توګه دعين نومونوتکرارپه څوسندونوکې،ددې څرګندوی دېچې غالباً دوی له يوې مبدأځخه سرچينه اخلي.

ددې اسنادو زياته برخه ليکونه تشکيلوي، ځينې ليکونه يې لا اوس هم سرټرلې دي اوويلی شوچې په بشپړه توګه لاس نه دي ورورړل شوی اوخوندي پاتې دي (څلورم انځور) يوليك چې په مهر او سرغچ ګلی اوځو حروفو،چې داخيستونکي نښه ده، څرګندوي.

(پنځم انځور) هماغه ليك په بيرته حالت کې ښيي او تاسې په دې ليك کې دمتن دليکلو طريقه اولار او دهغې کين اړخ ته پراخه حاشيه او دليك په وروستنۍ برخه کې په هغې پورې دځرمنې ديوې توتې په وسيله دتاپې (مهر) نښلول (پرته له دې چې له هغې څخه په بشپړه توګه جلاوي) وينئ.

په يوه ليك کې يوکوشاني پاچا ته اشاره شوې ده. کوشان شاه يا دکوشانيانو پاچا د نايب السلطنت په توګه وچې زياتره به له سلطنتي شهزاد ګانو څخه غوره کيده او دهغوي په وسيله به ساسانيانو دخپلې پراخې واکمنۍ دغه لرې پرتې پولې او سرحدونه اداره کول.دغه کوشان شاه (کوشاني پاچا) منحصر بفرد، چې هغه يې اوراهران يا "بهرام" بللی دی، احتمالاً دوروستيو کوشاني پاچهانو له ډلې څخه به وي، چې مورږ هغه دکوشانو ساساني سکوله مخې پيژنو. دځينو نورو شخصيتونو يا دونه يې کړې ده، چې په دې ليك کې دفارسي پاچادلور "دخت انوش" اودهغه دحرامسرای غلام، يو باختري نوم چې معنايې "دخدای بنده" ده، هم يا دونه کوي. په ليك کې داشخاصوله لورې مقام برسيره دليك مضمون هم ځانګړی ارزښت لري اودپسونوديوې رمې اويوې اندازې غلودانو په اړه دمادي مناقشو او دنيوي بحثونو او مشاجرو څرګندوی دی. (په شپږم انځورکې) ښودل شوی ليك په دوودليلونوله اهميت څخه برخمن دی: لومړی داچې داليك دساساني پاچا داستازي پواسطه ليکل شوی، نوبياپه هغې دورې پورې مربوطيږي چې دبلخ ولايت دساسانيانو ترتسلط لاندې و. دويم داچې ليك نيټه لري، که څه هم لانه ده مشخصه شوې چې دانيټه په کومې دورې پورې اړه پيدا کوي.

ډيراحتمال لري چې په دې ليك کې ياده شوې دوره هماغه دوره ده چې دپاکستان دتوچې درې په باختري ډبرليك کې هم کارول شوې ده. دغه ډبرليکونه په عربي،سنسکريت او باختري ژبو ليکل شوي دي او ددرې متفاوتو دورو کلونه په برکې نيسي. هغه اصلي مدارك چې دباختري دورې دپيل تکي دي، ددوه ژبې ډبرليك له مخې لاس ته راغلي دي، متن يې طبعاً هجري نيټه لري. دغه څرګنده هجري نيټه مورږ ته ددې توان راکوي چې دسنسکريت له نيټې څخه، چې په لنډ ډول او دسلګونو او زرګونو په حذفولو سره ليکلی شوی دی، څرګند تفسير ورواندې کړو. بل ډبرليك په سنسکريت او باختري ژبودی، دلته هم دسنسکريت تاريخ مخفف شوی دی. مګر که داسې فرض شي چې دا ډبرليك هم په هماغه پيړۍ پورې اړه لري چې دوه ژبې عربي- سنسکريت ډبرليك ورپورې اړه درلوده، مخفف عددونه بيرته رغولی او له هغو څخه ٨٦٣

ميلادي کال دنتيجې په توګه اخيستلی شو. ددغه باختري ډبرليك متن په يوناني شميروليکلی تاريخ لري. دباختري متونو لومړنی ترتيبوونکی هلموت هومباخ دغه عدودنه ۶۳۲ لولي. دنويو موندل شويو موادولـه مخـې زه ددغـې شـميرې وروستنی عدد ۱ د ۲ عدد پرځاي لولم، ليکن ديوکال توپيربه ډير مهم نه وي.

په هرحال باختري تاريخ ديوې دورې دپيلامې، دساسانيانو ددورې له لومړيود ۲۳۲ (هومباخ په قول) يا ۲۳۳ (زماپه قول) څرګندوی دی. زه دې ته چمتويم چې دکوشانو ساساني دورې په هکله د هومباخ نظرومنم، هغه دوره چې دپيل تکی يې دکوشانيانو امپراتوری،دساسانيانو برلاسی اوغلبه تشکيلوي.

بيرته ورګرځو باختري ليك ته، چې کولی شو نيټه يې ۲۳۹ وګڼو. که دتاريخ ليکلو دوره په ۲۳۳ کال پيل شوې وي، ۲۳۹ کال له ۷۴۱ ميلادي کال سره برابردی، دپروز دواکمنی له وخت اومهال سره چې دخپل سلطنت زيات کلونه يې دخپلې امپراتوری په خټګه خواکې له يفتليانو سره په جګړوکې تيرکړي او بالاخره په همدې جګړوکې ووژل شو. آيا دپيروز دنوم يا دونه په دې ډبرليك کې تصادفي ده؟ متاسفانه چې پروز کلمه په منځنی فارسي کې نه يوازې داچې خاص نوم دی، بلکې عام صفت اودبريالي يافاتح په معنا هم دی، نوبياپه يقيني ډول په دې نشوپوهيدلی چې موږ بايد شاهنشاه دپيروز په نوم وبولواوکه پيروز دشاهنشاه صفت وګڼو.

له ليکونو څخه وروسته ډيرمتون شرعي قبالې اودې ته ورته نوراسناد، لکه: داخيستلو او پلورلو اسناد، اجاره ليکونه، ضمانت خطونه، رسيدونه، دبخښش او سوغاتونواسناد تشکيلوي. يو ډيرخاص او په زړه پورې سند، چې په واقعيت کې دتاريخ لرونکو سندونو ترټولو زوړ اولرغونی دی، هغه ديو واده سند دی چې پکې يوې ښځې په يو وخت کې له دوو ورونو سره نکاح ترلې ده. دځومړونو کولو دود په ځينو وروستيو چينايي اسنادوکې هم ليدل شوی دی اودلته په يولومړي لاس سند تاييد يږي، چې ظاهراً دغه دود ددې سيمې له پاره پوره ځانګړی کاردی.

ددې پرخلاف بودايي متون، ليکونه اوشرعي اسناد، لکه ددغې مجموعې په څيريوپه بل پسې تاريخ لرونکي دي. له هغه ځايه چې زه تقريباً له ديرشو سندونوڅخه خبريم چې نيټه يې له ۱۱۰ څخه تر ۵۴۹ پورې، يعنې (که داومنوچې دباختري ژبې دتاريخ ليکنې دوره له ۲۳۳ ميلادي څخه پيل کيږي) له ۳۴۲ څخه تر ۷۸۱ ميلادي پورې رسيږي.

دغه له څلوروپيړيوڅخه زياته موده دغيونيانو، کيدارنيانو، هفتليانو او ترکانو دورې پخپل برکې نيسي او ان داچې لمنه يې تراسلامي دورې پورې هم رارسيږي. هغسې چې وروسته به يې ووينو دغه اسناد داسې تشريحات لري چې کولی شو په دغو تشريحاتو دتاريخ ښودنې کرونولوژيك چوکاټ ترازمايښت لاندې ونيسو. دمثال په ډول (اووم انځور) دځمکې دپلورلو قباله ښيي چې نيټه يې ۲۹۵ کال دی اوزه دغه نيټه په ۵۲۷ ميلادي کال دهفتليانو دحاکميت او واکمنی په زمانه تفسيروم. دغه موضوع دمتن له مطالبو سره هم سمون خوري، چې وايي "دهفتليانو ماليه" پرشتمنی ترل کيده. که څه هم دغه نمونه په استثنايي ډول ښه ساتل شوې ده، ولې دسند ترکيب يې هم ټيپيك دی. دغه متن په دوو نسخوکې دی: يوبيرته او دلوستلو وړاوبل ديوې طنابي رشتې په واسطه ترلی او په پنځو ختينو مهرو ټاپه شوی. دوه لومړني مهرونه يې دپلورونکو دګوتو نښه لري او دري نورمهرونه ددرې شاهدانو مهرونه دي. ظاهراً داسې ښکاري چې ښايي داپه پام کې وه چې دمناقشې دځرګندیدو په صورت کې به مهرشوې نسخه دقاضي په وړاندې بيرته کوي. دسند شاته (اتم انځور) دپلورونکو او دشاهدانو نومونه دهغو سوريوپه څنګ کې چې دمزې دتيرولو له پاره رامينځته شوي وو، ليکل شوي دي.

ددغو قانوني اسنادوډير، برسيره پردې چې نيټه ليك يا تاريخ لري، دځايونو دنومونو يا دونه يې هم کړې. او په دغو کې دهغو سيمو نومونه شامل دي چې سندونه هلته ليکل شوي دي. له دغو سندونو څخه څويې دابيانوي چې دغه اسناد په سمنګان روب(تننۍ روی) ملر(يامدر) يا (تننی کهمرد) کې ليکل شوي دي. ښايي داځلورواړه ځايونه ديو شخص په اداري حوزه کې شامل وو، د "روب دپاچا" په زياترو اسنادوکې ويل شوي دي اوښايي له بلې خوا ترميد (يا ترمذ) دآموسيند او بامیان شمال ته چې دلوړوغرونودلړيوپه وسيله چې له "کـه" او "مدر" څخه جلا کيږي، دهغه له قلمرو څخه بهرو. "روبخان" بايد بې له شکه د "روب" حاکم وګنو او سمنجان دهغه دواکمنۍ د قلمرو يوه برخه وه او دطبري په مشهور قول "ربخان" له هغو واکمنانو څخه دی چې د "تزك ترخان" په نوم دهفتليانو ديو باغي دټکولو له پاره په ۹۱ هجري کال دقطب الدين بن مسلم مرستې ته ورغی.

يوبل سند په "ورنو" نومې ځای کې ليکل شوی دی،چې دانبار بې له شکه "اورنوس" بللی شو او دلوی سکندر موؤرخ "اريان" دانبار دبلخ له دوو مهمو ښارونو څخه يو بللی دی. ددېروپوهانو په قول د"اورنوس" ښارچې اريان دهغه دنوم يادونه کړې ده، بايد چې دخلم يا تاشقرغان ښارته نږدې وي، په هغه ځای کې چې دخلم سيند ګوټی،په هغه سيمه کې چې روب او سمنګان کې واقع ده، دهوارو دښتوپه لور بهيږي.

بل سند چې غواړو دهغه په هکله بحث وکړو ديوغلام دپلورلو قباله ده او داسې پيل کيږي:

"په ٤٤٦ کال د"اوبه" د مياشتې د"وهمن" په ورځ دغه سند ټاپه(مهر) شوی دی او دغه دپلورلو قباله دلته دسمنګان په ښارپه ماروګان کې د روب دپاچا په دربار کې ليکلې شوې ده."

٤٤٦ کال بايد له ٦٧٨ ميلادي کال سره برابروي. په دې دوران کې ترکي نومونه اوالقاب رواج او معمول وو، لکه په دې لاندې فهرست کې يې ليدلی شو:

د"رامست" خدای "په مرسته او سانته"، چې درحمتونو بخښونکی، دهيلو او آرزو ګانو ترسره کوونکی، لوی اومهربان چې دلته په "ماروګان" کې نمانځل کيږي او په دربارکې د ژون لاد دشابورکامګارزوی،ترملاتړ لاندې،بريالي قاغان، تپغ لغ التشبير، دروب پاچا اوترخان خسروپه حضورکې،او ددیوردروب دحکامولـه زړوردیورپـه حضورکې او هم دنورو سردارانوپه حضورکې چې دکارله پاره حاضروو، شاهدان اوګواهان دي.

دغه مهم سند په پنځو مهرونو ټاپه شوی دی اودسند پرشايې دخښتنانو (مالکانو) نومونه اخيستل شوي دي. دپاملرنې په توګه دشاهدانو په مهرونوکې د"رامست" خدای ګوټې نوم شامل دی چې ظاهراً به يې له روحاني اړخه نمايندګي کيدله او په همدې دول په نورواسنادو کې په شاهدانوکې د"وخش" خدای ګوټې (دآموسيند خدای) شامل دی.

متن دوام ورکوي: "اوس زه يسکول اوزه يزدګرد، دکاو زامن،دخوست استوګنې، چې اوس هم دسمنګان په سيمه کې يوو، ورونه اوزامن موپلورلي دي، په تا "فنز" په تا وينامارك اوپه تا پوسك،دبك ماربك زامن، په تاسوچې ستاسو ملکيت ګډليان نوميږي، اوستا په ورونو، زامنو او اخلافوستاباندې، يوهلك چې زمورږدورونوو. دغه هلك چې نوم يې "خلس" دی په درې فارسي درهمو موپلورلی دی، څرنګه چې نشوکولی هغه په دې قحطی کې اعاشه کړو، نواوس نومورې هلك په تا"فنز" په تا "وينامارك" په ورونو،زامنو او اخلافوپورې به دی تل ترتله اړه ولري."

په دې هيله يم پورتنې اقتباسات ددې مجموعې داسنادو دشرعي او حقوقي اصطلاحاتو لږڅه روحيه بيان کړي. هغه اسناد چې کولی شو هغو ته ورته اومشابه دمرکزي آسيا دژبو، لکه: سغدي،ترکي،ارامی دمصردپنځمې پيړۍ په الفانتين کې مشاهده کړو.

يوبل په زړه پورې سند چې د۴۷۸ باختري نيټې (۷۱۰ ميلادي سره برابر) لرونکی دی، (دنوي کال په دويمی مياشتې پورې مربوط دی.) داسند ديوي توتې ځمکې او کنيزې قباله ده چې "کاميرد" خدای گوتې او دهغه دين ته وربخښل شوي دي. چې ظاهراً ديوې کورنۍ ديو غړي دشفاء په مناسبت وربخښل شوي دي. کاميرد، دلغت له مخې د"سر"او"سردار"په معنادی چې احتمالاً دغه کلمه دخدای گوتې لقب دی،نه دهغه نوم.

دکِد کلمه يقين اوباورته په نږدې والي دچيني کلمې "جی دو" او دهغه له لرغوني بڼې"کج تا" څخه اخيستل شوې ده چې مشهور چينايي زيارت کوونکي هيوان تسنګ دغه نومونه دهندوکش په جنوب کې دزابلستان خدای گوتې "ژون" نمانځونکي بللي دي. دغه خدای گوتې دروب ترتسلط لاندې هم پيروان لرل او دغه ټکی په مخکيني سندکې دهغې سيمې دپاچا په نوم کې ليدلی شو. دژون لاد لغوي معنا "ژون داده" په قوي احتمال هماغه خدای گوتی دی چې دکاميرد (سردار) په نوم پيژندل شوی دی.

په دې حاضرسند کې وربخښونکی شخص چې ديو پاچا ملکه ده، ياترکي نومونه قتلغ تېغ لغ بيګا سووګ (نيکمرغه)، "دهستۍ مالګ"، "عاقل" محبوب ياد شوی دی،چې داملکه يې "دخلس" دملکې په نوم هم ياده کړې ده. د"خلس" کلمه چې په مخکيني سندکې يې نوم اخيستل شوی و،احتمالاً يوه ترکي قبيله دخلج په نوم ده چې په دې صورت کې يې داسند له ډيرولرغونوشواهد وڅخه شميرل کيږي.

دباختري ژبې يوډيرنوی سند هغه دپلورنې قباله ده چې ۵۲۵ (۷۵۷م. سره برابره) نيټه لري. غواړم چې ستاسې پاملرنه ددې قرارداد ځينو برخوته واړوم. ددې قرارداد لومړۍ برخه ديو ملکيت دنوي ځښتن (مالک) حقوق داسې بيانوي: مالک کيدل او پريو ملکيت باندې مالک پاتې کيدل، دهغه پلورل، چاته بخښل او يا دهغې ملکيت ګروکول، کرايه ورکول، له بلې ځمکې سره دهغې بدلول، زامنوته او يادلونوجهيزکې هغو ته ورسپارل، عبادت ځای جوړول، او يا هديرې ته ورکول او يادمړيو دسوځولوځای ته ورکول. دلته د"ويهارا" اصطلاح ديو بودايي معبد يا عبادت ځای دباختري ژبې دلغت د(معبد) سره توپيرلري چې ظاهراً داصطلاح ديو غيربودايي عبادت ځای (معبد) باندې اطلاق شوې ده. په لاندې دوو نومونوکې هم مشابه توپيرچې ظاهراً دجسدونو دايښو دلوځای دی، ليدل کيږي. "لخميګ" چې بنايي داوستايي اصطلاح "دخمه" او دمنځنۍ فارسي دخمګ سره مترادف وي. داسې اصطلاحات دي چې معمولاًدزردشتيانو دمراسمو ودانۍ ته اشاره لري او ځيني وختونه دغه اصطلاحات دقبر په معنا هم کارول شوي دي. په هغه صورت کې چې دلخشانتينګ اصطلاح چې بنايي دسوزولو په معنادکلمې له ريښې څخه مشتق شوې وي، دغير زردشتي (بنايی هندي) دمړوسوزولو مراسموداټول اصطلاحات اوداشخاصو نومونه، چې دخدای گوټو دنومونوپه قالب کې بيان شول په سيمه کې له اسلام څخه دمخه دمذهبي او عبادت کولو درسومواو دودونو دعقيدو تنوع بيانوي.

په لو مړنيو قراردادونوکې دشيانو بيه (نرخ) دطلادينارونو او يافارسي نقره يې دينارونو په وسيله ليکل کيدله، په داسې حال کې چې وروستني متون "دعربي نقره يې درهم" يادونه کوي. برسيره په دې حاضر متن کې دلومړي او وروستي ځل له پاره دعربو حاکميت ته دمالياتو ورکولو يادونه کوي. لږوروسته بايد عربي ژبه دباختري ژبې پرځای دسيمې

دليکلې ژبې په توګه رامينځته شوې وې، چې په حقيقت کې څو محدود عربي سندونه ترلاسه شوي دی چې ددې مطلب څرګندويي کوي.اوداسناد هماغه دتيرآرشيف ادامه ده. (لسم انځور) له هغه ځايه چې په عربي او باختري متنونوکې دمشابه اشخاصو او کورنيو دنومونويادونه کيږي، نوبيا په دې ډاډه کيدلی شوچې دااسنادسره مربوط او اړونددي. وروستنی سند چې نن غواړم دهغه په هکله خبرې وکړم هغه داسلام ددورې دلومړيو باختري ډبرليك دی چې بودايي مضمون لري (يوولسم انځور) دډبرليك چې تراوسه نه دې خپور شوی، په ۱۹۹٦ م. کال دسفيدك له تنګي څخه، چې ديکاولنك لويديځ ته په ۳۰ کيلومترۍ کې پروت دی، په لاس راغلی دی. داړه ۱۳ کرښوکې حك شوی او دباختري ژبې په مات ليك دهغې ډبرې پرمخ دی، چې اصلاً دمربع شکله حجرې پرديوال ددرې متروپه ابعادوواقع ده. لکه چې وينو دډبرليك څرګندوي چې دغه مربع شکله حجره ديوې ستوپې اساس اوښتې وه، او په حقيقت کې يو شميرآثار ،چې په ستوپې يورې اړونددي، په دغه مربع شکله حجره کې ترلاسه شوي دي: يوکتاب (چې اوس ورك شوی دی) يوه دسروزروګوته، مسکوکات، يو ښيښه يي بوتل او نورشيان.

دسرخ کوټل او رباطك دډبرليکونوپه څيردسفيدك تنګي ډبرليك هم اوس په ډيره خوندي توګه دکابل په ملي موزيم کې ساتل کيږي او ماهغه په دې وروستيوکې دموزيمونو دعمومي مدير ښاغلي مسعودي په مهربانۍ په کابل موزيم کې مطالعه کړ.

دغه ډبرليك دسبول (يعني کوزه) دمياشتې، دنن ورځې ددلوې دمياشتې دنوم په څيردی، نيټه لري او د٤٩٢ کال(٧٢٤ ميلادي) پورې مربوط دی. په ډبرليك کې راغلي دي چې په دغه کال دګزن پاچا الخيس دخراس زوی داستوپه(لکه) يو(مذهبی) آبده دزمګان په دښته کې جوړه کړه. اوبيا داسې دوام ورکوي: (په هغه وخت کې) دترك(؟) او عرب پاچاهي وه، زماغوره پيشکش او ډالۍ ومنل شوې... او بياما دا(ستوپه په نوم د) رينالاکا (لکه) يوه ښکلې ډالۍ اوپيشکش په ايماني طلو ع او مينه(؟) چې دبودادتعليماتو په نسبت مې درلودل، دزړه له کومې جوړه کړه.... اوهغه څه چې ښه او غوره دي، رامخکې دې شي، اوس او په راتلونکې کې هيله من يم زه الخيس، موراوپلارمې، ميرمن مې، ورونه مې، زامن مې او (نور)د خپلو هيلواوغوښتنوپه پوره کيدلو بريالي شي. اوډبرليك په دې جمله پای ته رسيږي:"درود پربودا."

که څه هم ددې متن ډيره برخه متداول او معمول مضامين دي، ولې ځينې معلوماتي تکې لکه د(زمګان) دځای نوم اودپاچاهانو نومونه الخيس، اودهغه پلار خراس، هم پکې شته دي.

الخيس خپل ځان دګزن پاچابولي. دګزن نوم ذهن دغې لوري ته راکاږي څو تصوروکړای شي چې داهماغه دغزني ښاردی. که څه هم دلرغون پيژ ندنې ډيروځيړنوته اړتياده، ترڅوداثابته شي چې آيا دستوپې او ډبرليك دموندنې سيمه دهغه مهال غزنی ښارد اداري نفوذ په حوزه کې شامله وه اوکه نه؟ برسيره پردې ټولو دسفيدك دتنګي ډبرليك له ټولو ستونزواومشکلاتو سره سره داتمې ميلادي پيړۍ تروروستيو پورې دبودايي دين ددوام او مقاومت دځرګندويې په هکله دځانګړي اهميت نه برخمن دی.

tarikhema.org



Figure 11: Bactrian inscription from Tang-i Safedak (*copyright, J.L.Lee, 2002, all rights reserved*).

تصویر ۱۱: کتیبه تنگ سفیدک.

یوولسم انځور:دسفیدک تنګي ډ برلیک.

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

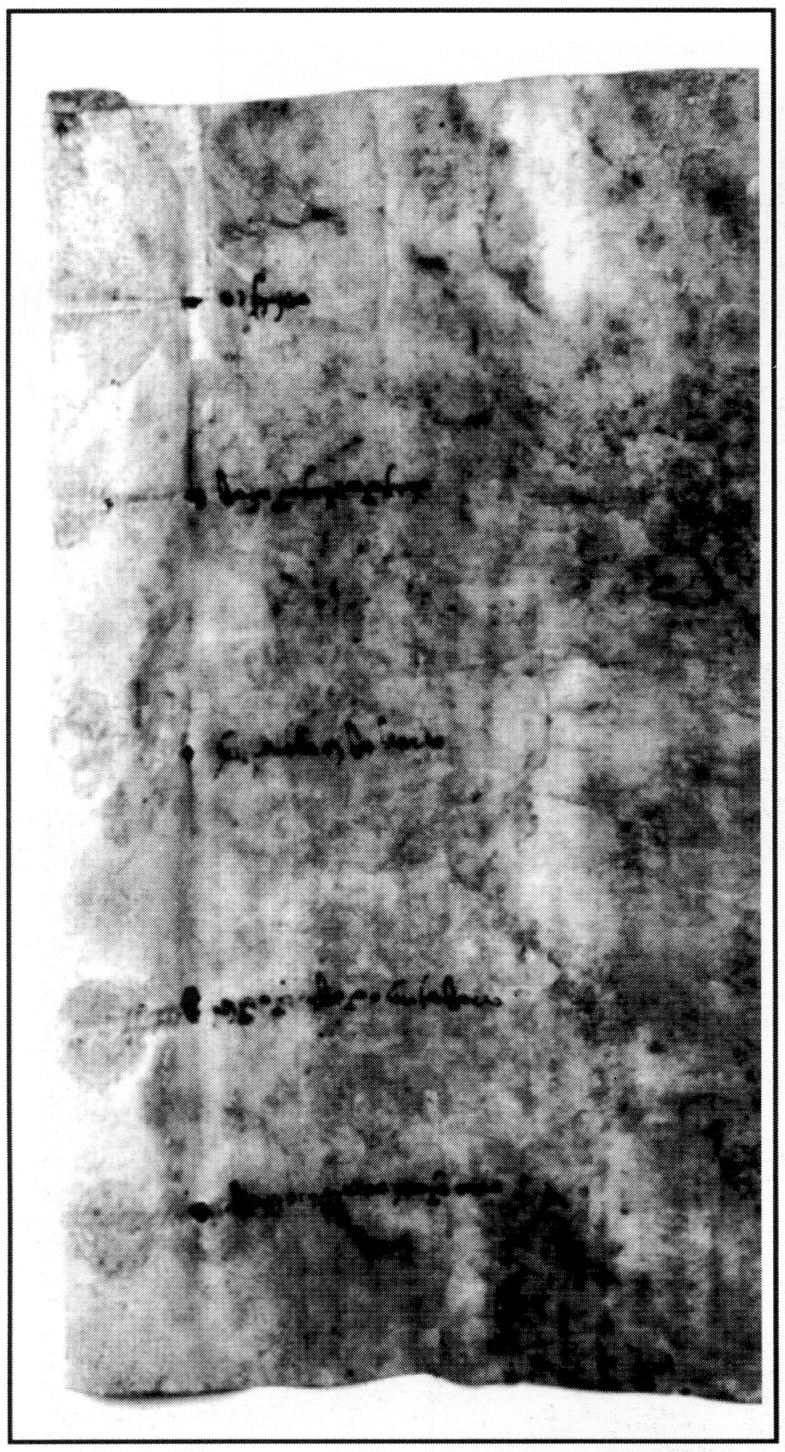


Figure 8: Document for sale of land with names of witnesses (reverse of Fig.7).

تصویر ۸: جزئیات پشت قرارداد فروش زمین.

اتم انځور: د ځمکې دپلورلو دقرارداد دشاتني مخ جز ییات.



Figure 9: Map showing places mentioned in Bactrian legal documents.

تصویر ۹: اسامی بعضی مناطق افغانستان که درمدارک دفتری باختری ذکر شده اند.

نهم انځور: دافغانستان دځینوسیمو نومونه چې په باختري مدارکوکې لیدل شوي دي.

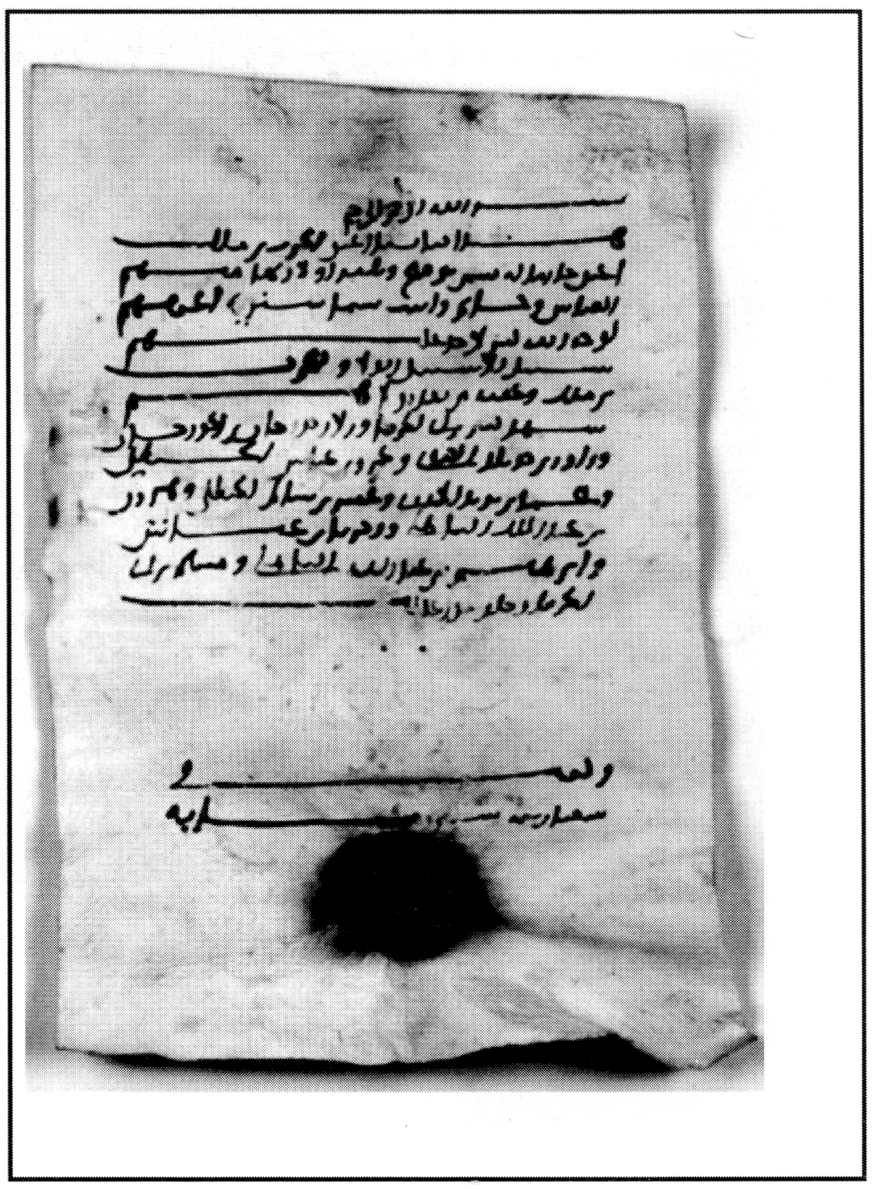


Figure 10: Arabic document similar to Bactrian legal documents.

تصویر ۱۰: سند عربی.

لسم انځور: عربي مکتوب.

tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

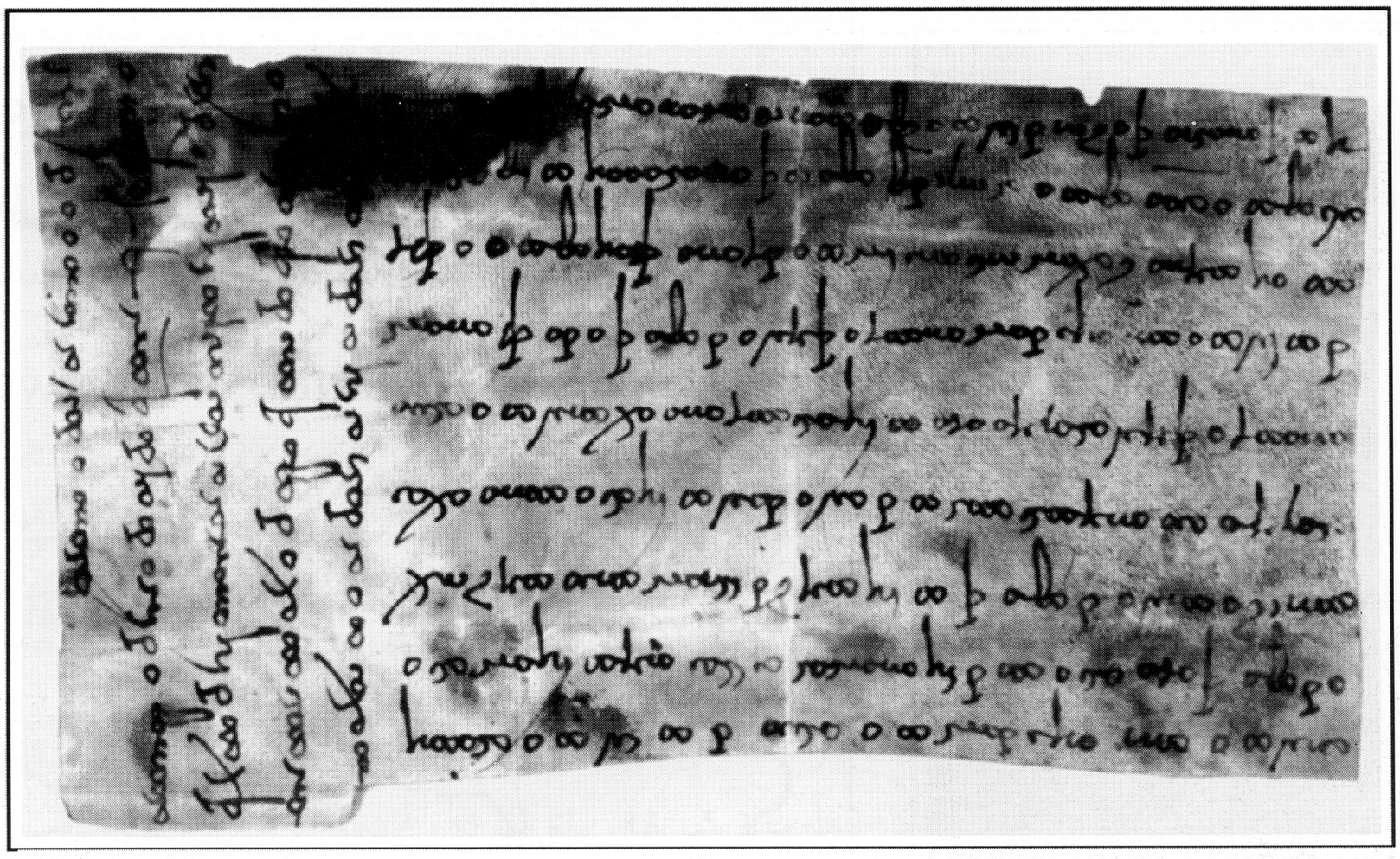


Figure 6: Dated letter written by a representative of the Sasanid Emperor.

تصویر ٦: نامه ء یکی از نمایندگان امپراطوری ساسانی.

شپږم انځور: دساسانیانو دامپراتورۍ دیوه استازي لیک.

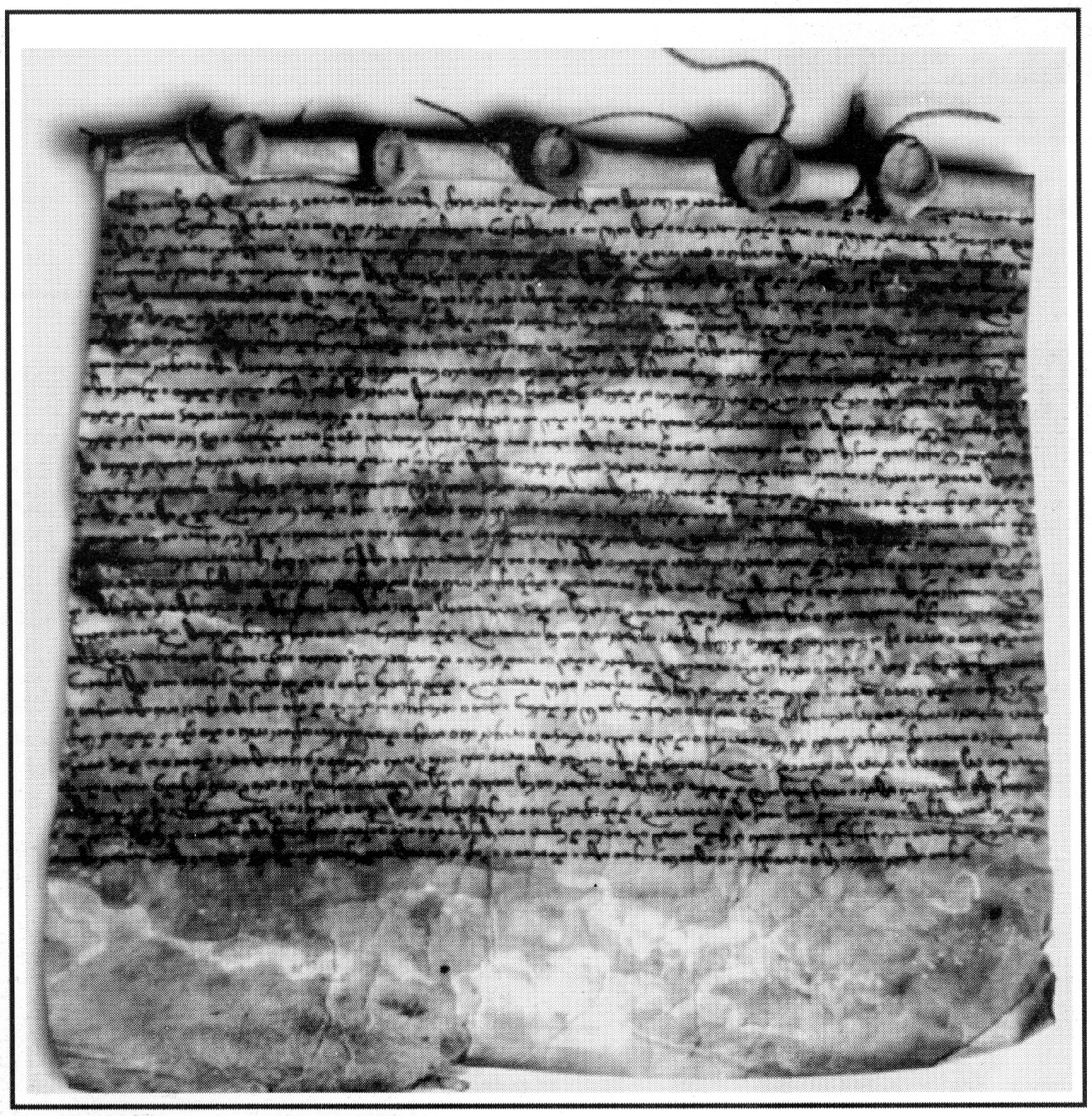


Figure 7: Contract for the sale of land.

تصویر ۷: قرار داد فروش زمین.

اووم انځور: دځمکې دپلو رلو قرارداد.

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

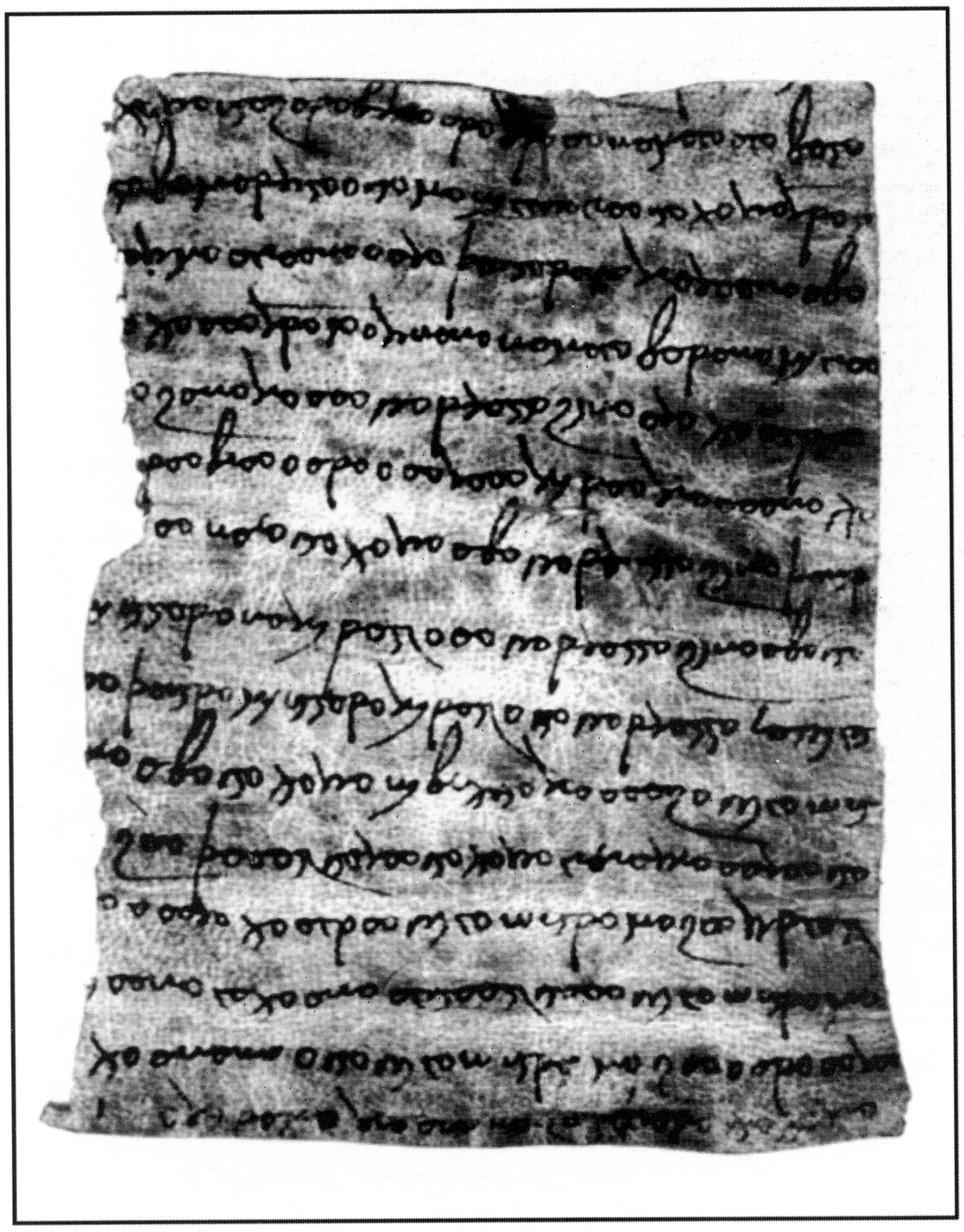


Figure 3: Bactrian leather document.

تصویر ۳: نامه ای به زبان باختری که روی چرم نوشته شده است.

در یم انځور: دپو ستکي پر مخ لیکل شوی دباختري ژبې لیک.

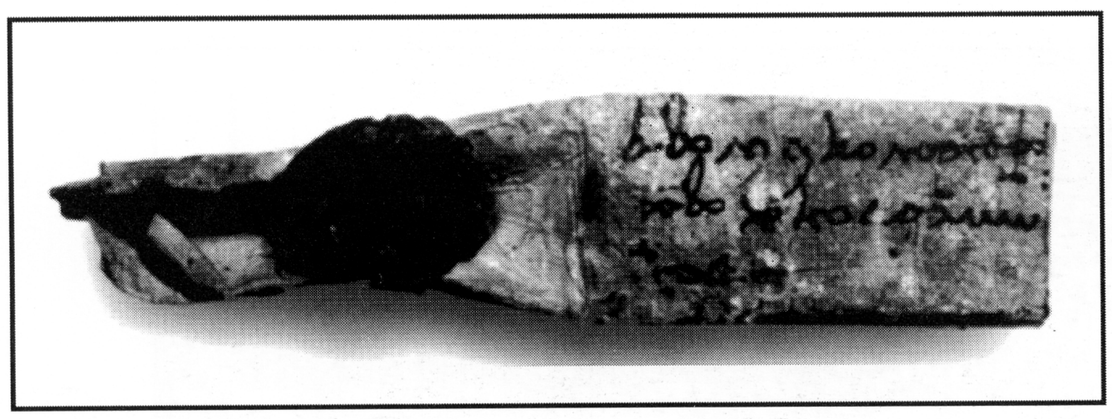


Figure 4: Letter sealed with a *bulla.*

تصویر ٤: نامه ای که توسط یک مهر گِلی ممهور گشته است.

څلورم انځور: یو لیک چې په ختین مهر ټاپه شوي دی.

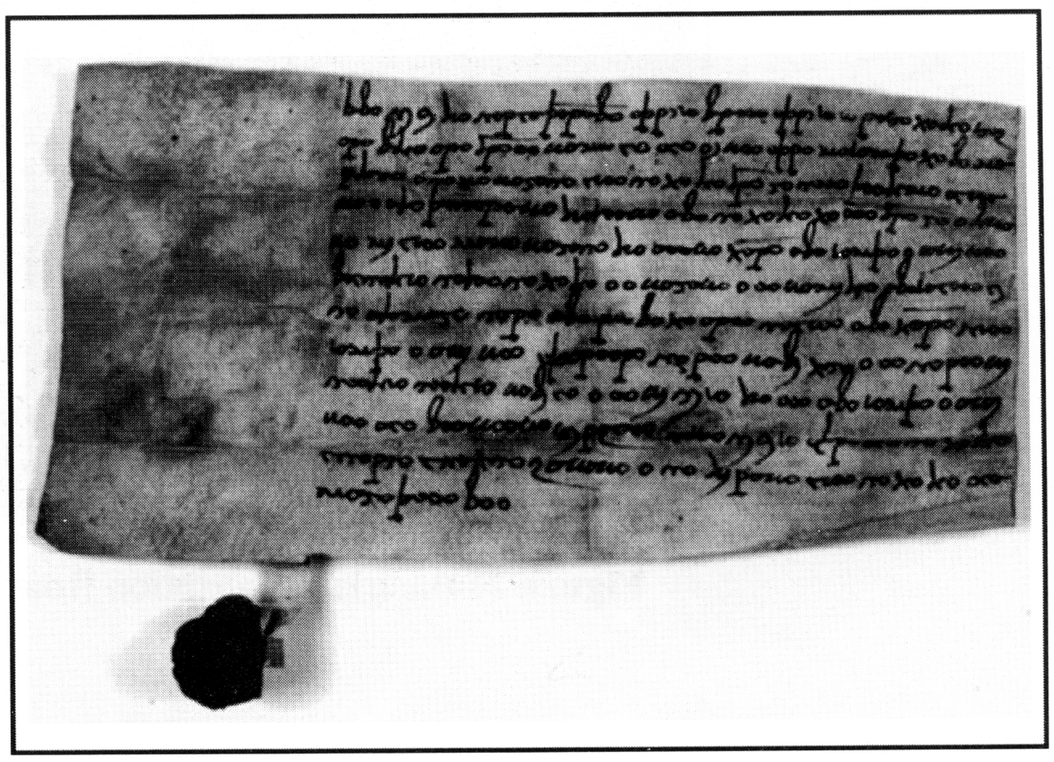


Figure 5: The same Bactrian document after being opened.

تصویر ٥: همان نامه ء تصویر شماره ٤، بعد ازبازشدن.

پنځم انځور: دځلورم نومره انځورلیک په بیر ته شوي حالت کې.

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

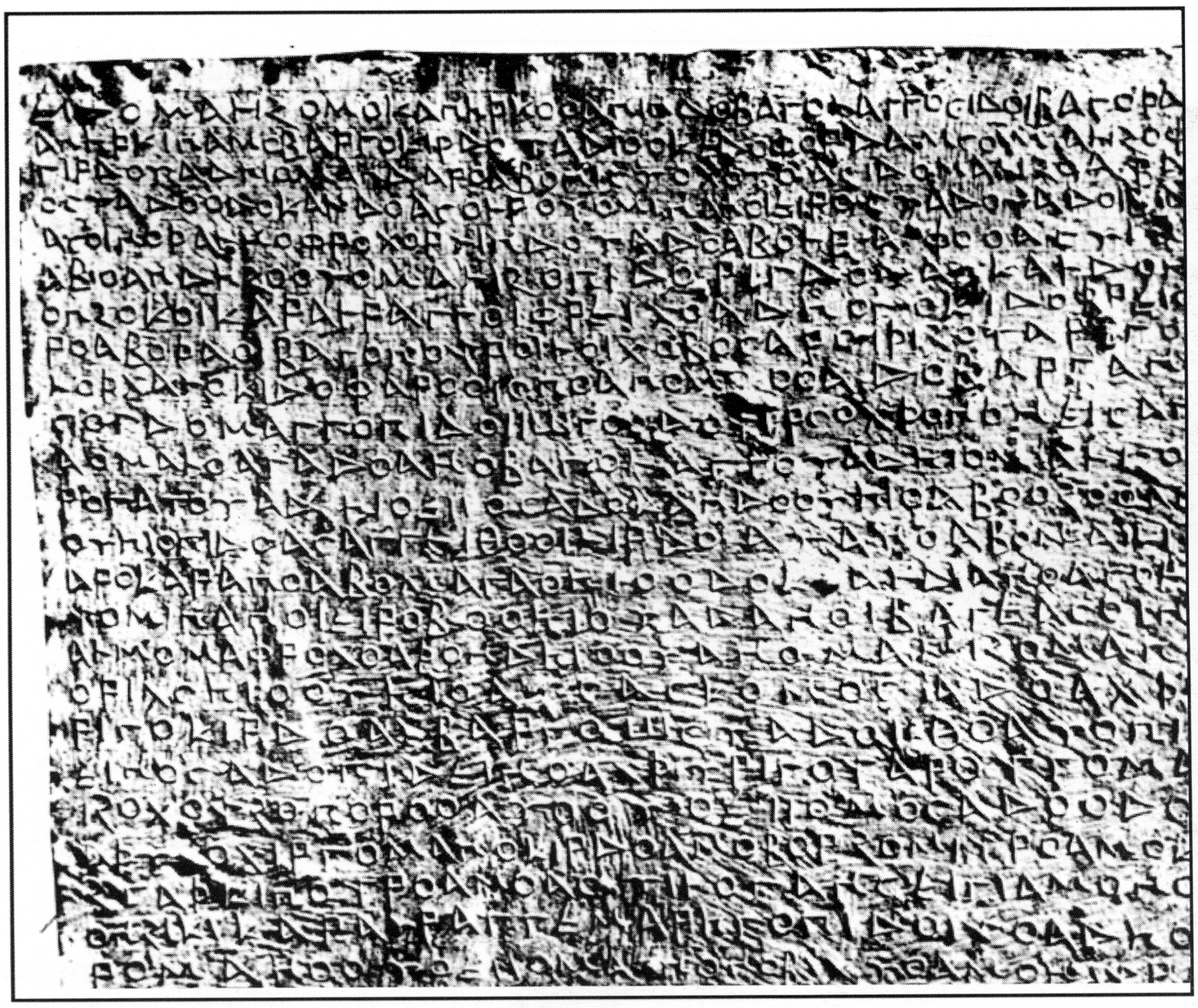


Figure 1: Bactrian inscription from Surkh Kotal.

تصویر ۱: کتیبه باختری از سرخ کوتل.

لو مړۍانځور: دسرخ کوتل ډبر لیک .

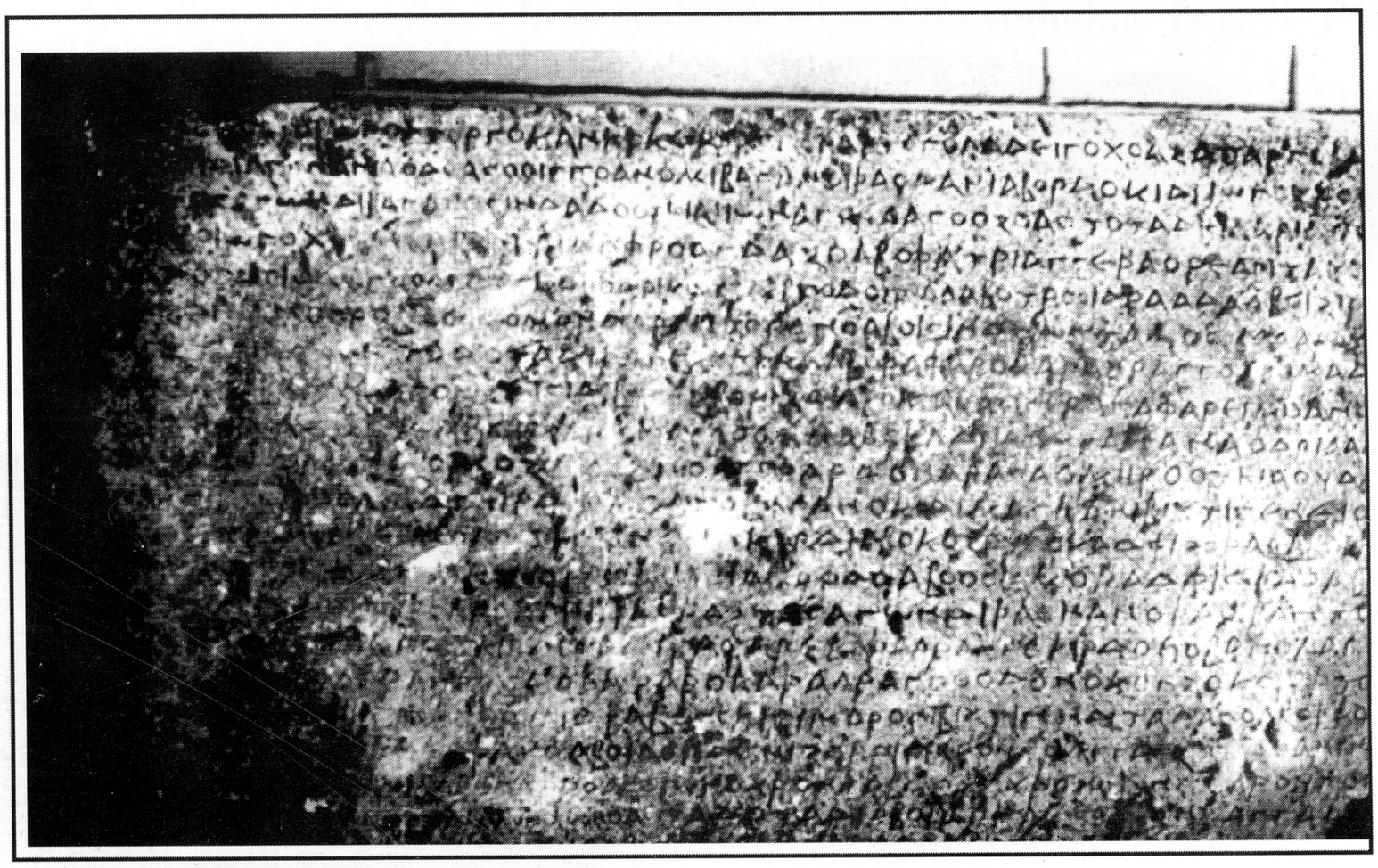


Figure 2: Bactrian inscription from Rabatak.

تصویر ۲: کتیبه باختری از رباطک.

دویم انځور: درباطک ډبرلیک.

pdf.tarikhema.org

Further Reading

Akiner, S. & N. Sims-Williams (eds.),

1997 *Languages and Scripts of Central Asia*, School of Oriental and African Studies, University of London.

Lee, J. & N. Sims-Williams,

2003 "The Antiquities and Inscription of Tang-I Safedak," in *Silk Road Art and Archaeology,* 9, 2003, pp. 159-184.

Sims-Williams, N.,

1997 *New Light on Ancient Afghanistan: The Decipherment of Bactrian*, School of Oriental and African Studies, University of London.

1998 (ed.) *Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies: Part 1, Old and Middle Iranian Studies*, Wiesbaden.

2000 *Bactrian Documents from Northern Afghanistan. I: Legal and Economic Documents*, Oxford University Press.

2002a *Indo-Iranian Languages and Peoples*, Oxford University Press.

2002b "The Bactrian Inscription on the Seal of Khingila," in *Silk Road Art and Archaeology,* 8, 2002, pp. 143-152.

The last document which I want to talk about today is a Bactrian inscription which also belongs to the early Islamic period, but which is entirely Buddhist in content [fig. 11]. This inscription was discovered in 1996 at Tang-i Safedak, about 30 km west of Yakaolang. It consists of 13 lines of cursive Bactrian script inscribed on a single block of stone which was found in situ in the wall of a chamber about 3 meters square. As we shall see, the inscription shows that this square chamber was the base of a Buddhist stupa, and in fact a number of objects typical of stupa deposits were found inside the chamber: a book (now lost), a gold ring, coins, a glass bottle, and so on. Like the inscriptions of Surkh Kotal and Rabatak, the inscription of Tang-i Safedak is now safely preserved in the national museum here in Kabul, where I have been able to study it during the last few days, thanks to the kindness of the General Director, Mr Masoudi.

The inscription is dated in the month Sbol—literally "the jar", like the modern month-name Dol—of the year 492, which corresponds to the year 724 C.E. In this year, it tells us, the Lord of Gazan, Alkhis son of Khuras, established this stupa (as) a (pious) foundation on the plain (of) Zamagan. It continues as follows: "(At that time) when there was a Turk (?) ruler and an Arab ruler, the meritorious gifts made by me were taken..., and afterwards I made this (stupa called) Zinalaka (as) a meritorious gift in the willing(?) belief which I had towards the teaching of the Buddha and in great faith... And whatever merit may arise hereby, now and in the future, may I, Alkhis, and my parents and wife and brothers (and) sons and (other) relatives too may each (and) every one (of us) attain (his) own desire." The inscription ends with the phrase: "Homage to the buddhas."

Although much of this text is quite conventional, it also contains several interesting pieces of information, such as the name of the place, Zamagan, and the names of the ruler, Alkhis, and his father Khuras. Alkhis calls himself "the lord of Gazan". It is tempting to assume that this name refers to the city of Ghazni, though more historical research is needed to establish whether it is plausible to suppose that the area where the inscription and stupa were found would have been within the realm of Ghazni at this period. But above all, the Tang-i Safedak inscription is important as evidence for the persistence and strength of Buddhism, despite persecution, as late as the eighth century.

drachmas, since we are unable to keep him in plenty and famine. So now, may the boy mentioned above belong properly and well to you, Fanz, and to you, Winamarg, with your brothers, sons and descendants hereafter, from now to eternity".

I hope that these quotations may give you a flavour of the legal terminology of these documents for which, incidentally, one can find many parallels both in documents written in other Central Asian languages such as Sogdian and Turkish, and in the 5th cent. B.C. Aramaic documents from Elephantine in Egypt.

Another interesting document is dated in the Bactrian year 478, that is, 710 C.E., in the month "Second New Year". The document is a deed recording a gift of land and of a slave girl to the god Kamird and his ked or priest, apparently in return for the healing of a member of the donor's family. Kamird means literally "head" or "chief"; it is perhaps the god's title rather than his name. The word ked is almost certainly the source of the Chinese term jì-duo, older kej-ta, mentioned by the famous Buddhist pilgrim Xuanzang as a name of the worshippers of Zhun, the god of Zabulistan, to the south of the Hindukush. This god was also known in the Kingdom of Rob, as we can see from the name of its ruler in the previous document: Zhun-lad, literally "given by Zhun". In that case it is quite likely that Zhun is the god referred to by the title Kamird "the chief (god)".

The donor in the present document, the queen of a ruler with the Turkish name Qutlugh Tapaghlïgh Bilgä Sävüg "fortunate, possessing service, wise, beloved", is also referred to as "the princess of the Khalas". Khalas, which was also the name of the slave-boy in the previous document, probably represents the Turkish tribal name Khalach, of which this would be one of the earliest occurrences.

One of the very latest Bactrian documents is a deed of sale dated in the year 525, that is 757 C.E. I just want to draw attention to a couple of passages in this contract. The first is the series of clauses which describe the rights of the new owners of the property: "to have and to hold it, to sell it, to give it away, to pawn it, to offer it for rent, to exchange it for another piece of land, to give it for a son's wedding or a daughter's dowry, to build a monastery or temple, to make a "cemetery" or "crematorium". Here the Indian term for a Buddhist monastery, *vihara*, is contrasted with the Bactrian word for a "temple", presumably referring to a non-Buddhist shrine. A similar contrast can be seen between the following pair of nouns, both of which may refer to places for disposal of the dead: *lakhmig·* would correspond to the Avestan daxma-, Middle Persian *daxmag*, terms which usually refer to a structure used for the Zoroastrian rite of exposure, but sometimes also to a grave, while *lakhshatanig* probably derives from a root meaning "to burn" and refers to a non-Zoroastrian, perhaps Indian, rite of cremation. These terms, together with the numerous theophoric personal names found in the documents, give us a glimpse of the variety of religious belief and practice in this area before the coming of Islam.

While earlier contracts had expressed prices in gold dinars or in Persian silver, the latest texts refer to "Arab silver dirhams". In addition, the present text refers, for the first and last time, to the payment of taxes to the Arabs. Soon afterwards, Arabic must have replaced Bactrian as the written language of the area; and indeed, a small number of Arabic documents have come to light, which appear to form a continuation of the same archive [fig. 10]. In fact, we can be sure that the Bactrian and Arabic documents are connected, since they mention some of the same families and individuals.

paid. The format of the document is typical, though this example is exceptionally well preserved. There are two complete copies of the text. One copy is left open to be read. The other is tightly rolled, tied with string, and sealed with five clay sealings. The first two sealings bear impressions of the fingernails of the vendors; the others are impressed with the seals of three witnesses. Presumably it was intended that the sealed copy should be opened in the presence of a judge in case of a dispute. On the reverse of the document [fig. 8], the names of the vendors and witnesses are written beside the holes for the seal-strings.

In addition to dates, many of these legal documents contain place-names, including the names of the places where they were written [fig. 9].

Several documents state that they were written in Samangan, Rob (modern Rui), Malr or Madr, or Kah (modern Kah-mard). All four places are apparently within the jurisdiction of a ruler who is referred to in many documents as "the ruler of Rob". On the other hand, Tarmid (or Termez), to the north of the Oxus, and Bamiyan, which is separated from Kah and Madr by a considerable ridge of mountains, may well have been outside his kingdom. The ruler of Rob is no doubt to be identified with the Ru'b-khan, the lord of Ru'b and Siminjan, who helped Qutayba b. Muslim to defeat the Hephthalite rebel Nezak Tarkhan in the year 91 of the Hijra, as mentioned by the historian Tabari.

Another document is written in a place named Warnu. This is surely to be identified with Aornos, which Arrian, the Greek historian of Alexander the Great, mentions as one of the two chief cities of Bactria. According to many scholars, Arrianos/Aornos is to be located near Khulm or Tashkurgan, where the valley of the Khulm river, in which Rob and Samangan are situated, opens out into the plain. Since the documents which I have been describing almost certainly represent the royal archive of the king of Rob, the mere presence of this document in the archive would suggest that Warnu too formed part of his dominion.

The next document which I would like to describe is a contract for the sale of a slave, which begins: "It was the year 446, the month Ab, the day Wahman, when this sealed document, this purchase contract, was written here in the district of Samangan, at Marogan, the court of the ruler of Rob". The year 446 should correspond to 678 C.E. By this time Turkish names and titles are common, as can be seen from the witness-list which follows: "Under the protection of the god Ram-set, the granter of favours, the granter of wishes, the wonderful, who is worshipped here at Marogan, at the court, under the protection of Zhun-lad son of Shabur, the successful, prosperous qaghan, the tapaghl•gh iltsbir, the ruler of Rob, and in the presence of Khusaru the tarkhan, and in the presence of Dev-raz, the brave chief justice of the rulers of Rob, and also in the presence of the other noblemen who were present there amongst them and who bear witness concerning this matter". This document too was originally sealed with five seals, whose owners are named on the back: remarkably, the seals of the witnesses include that of the god Ram-set, who was presumably represented by his priest. In the same way, other documents include amongst the witnesses the god Wakhsh, the deified River Oxus.

The text continues: "Now, I, Yaskul, and I, Yezdgird, the sons of Kaw, inhabitants of Khost, who are now present here in the district of Samangan, and our brothers and sons, have sold to you, Fanz, and to you, Winamarg, and to you, Pusk, the sons of Bag-mareg, you whose estate is called Gabaliyan, and to your brothers, sons and descendants, a certain boy belonging to us as brothers, this same boy who is called Khalas, for three Persian

The letter illustrated in fig. 6 is important for two reasons. Firstly, it is written by a representative of the Shahan-shah, the Sasanian emperor himself, and must therefore belong to one of the periods when Bactria was under Sasanian control. Secondly, it is dated, though the era is not specified.

It seems very likely that the era used here is the same as that of the Bactrian inscriptions of the Tochi valley in Pakistan. These inscriptions are written in Arabic, Sanskrit, and Bactrian, and contain dates expressed in three different eras. The vital evidence for determining the starting-point of the Bactrian era is provided by two bilingual inscriptions, the first being in Arabic and Sanskrit. The Arabic text is naturally dated by means of the Hijri calendar. This unambiguous Hijri date makes it possible to interpret the date of the Sanskrit version, which is expressed in an abbreviated form omitting the thousands and hundreds. The second bilingual is in Sanskrit and Bactrian. Again the Sanskrit date is abbreviated; but, if one assumes that this inscription belongs to the same century as the Arabic-Sanskrit bilingual, the missing figures can be reconstructed, giving a date which can be computed as 863 C.E. The Bactrian version is dated with Greek numerals. Helmut Humbach, the first editor of the Bactrian texts, read these numerals as 632. On the basis of newly-discovered materials I would interpret the last digit as 1 rather than 2, but a difference of one year is of minor significance. In either case, the Bactrian date indicates the existence of an era beginning early in the Sasanian period, in 232 (according to Humbach) or 233 (according to me). I am inclined to follow Humbach in regarding this as a "Kushano-Sasanian" era, whose starting-point was probably the Sasanian conquest of the Kushan empire.

Let us return to the Bactrian letter, whose date can be read as 239. If the era began in 233, the year 239 will correspond to 471 C.E., during the rule of Peroz, who spent much of his reign fighting the Hephthalites in the east of his empire and who eventually perished in battle against them. Is it a coincidence that the word preceding the title Shahan-shah in the Bactrian letter is in fact Piroz? Unfortunately the Middle Persian word peroz is not only a personal name but also a common adjective meaning 'victorious', so that it is difficult to decide whether one should translate "the Shahan-shah Peroz" or merely "the victorious Shahan-shah".

After the letters, the largest group of texts consists of legal contracts and similar documents: deeds of sale, leases, guarantees, receipts, and deeds of gift. One particularly interesting document—in fact the earliest of the dated documents—is a marriage contract, in which one woman engages herself to marry two brothers at the same time. The practice of polyandry, mentioned in slightly later Chinese sources and here confirmed by first-hand evidence, was apparently typical of the region.

Unlike the letters and Buddhist texts, legal documents such as these are always dated. So far I know of about thirty documents with dates ranging from 110 to 549, that is (if we assume that the Bactrian era began in 233 C.E.), from 342 to 781 C.E. This span of more than four centuries covers the Chionite, Kidarite, Hephthalite, and Turkish periods, and extends well into Islamic times. As we shall shortly see, the contents of the documents provide many details against which one can test this chronological framework.

For example, fig. 7 shows a contract for the sale of land dated in the year 295, which I interpret as the year 527 C.E., during the period of Hephthalite domination. This agrees well with the statement of the text that the "Hephthalite tax" due on the property has been

system, the genealogy of Kanishka attested in the Rabatak inscription fits very well with the solution recently proposed by Harry Falk, who has found an Indian astronomical text which seems to identify the first year of Kanishka as the year 127 C.E.

Less than a century later, in about 224, the Sasanians came to power in Iran, and within a few years they had also conquered Bactria. Subsequently Bactria was invaded several times by nomads from the north. At different times the invaders are referred to under various names—Chionites, Kidarite Huns, Hephthalites—though it is not entirely clear whether all these names refer to the same or to different peoples. The next arrivals were the Turks, who in the middle of the sixth century allied themselves with the Sasanians to defeat the Hephthalites. Then, finally, all the local dynasties were swept aside by the coming of Islam and the Arabs.

The history of this period, from the Sasanians to the Arabs, is illustrated by a second discovery. In December 1991, I was shown photographs of a newly discovered Bactrian document on leather. The document was inscribed on both sides with 28 lines in cursive Bactrian script, making it by far the most substantial example of cursive Bactrian so far known [fig. 3]. The document was clearly a letter, beginning with conventional phrases of address and greeting almost identical to those used in Sogdian letters: "To your lordship 1,000 and 10,000 times greeting and homage from so-and-so your servant. Having heard that your lordship is healthy I am happy; but I would be still happier if I myself might see your lordship in good health and pay homage..." To judge by personal names such as Ohrmuzd and Khosrow, the document belonged to the Sasanian period. Another striking name was Purlang-zin, evidently meaning "the man with the panther's skin," a clear reference to the zin-i palang of Rostam, one of the heroes of the Shah Nama.

This first document proved to be just the tip of the iceberg. During the following ten years the corpus of Bactrian documents has grown to about 150, most of which appeared on the international art market via the bazaar of Peshawar, and thus found their way into private collections in London and elsewhere. These documents have passed through the hands of many different dealers and collectors. Unfortunately, we have no reliable record of their provenance, but internal evidence, especially the recurrence of the same names in several documents, suggests that most of them ultimately derive from a single source.

Many of the documents are letters, some of them still sealed and therefore perfectly preserved. Fig. 4 shows a letter sealed with a clay *bulla*, with a few words of address written on the outside. Fig. 5 shows the same letter after opening, from which you can see the standard layout of the text, with a wide left-hand margin, and the way the seal is attached to a strip of leather cut along the bottom edge of the letter without being completely detached from it.

One of the letters mentions a Kushan-shah. The Kushan-shah, or 'king of the Kushans", was a kind of viceroy, often a royal prince, through whom the Sasanians ruled this distant outpost of their empire. This particular Kushan-shah, who is named Warahran or Bahram, is probably to be identified as one of the last of the Kushan-shahs known from the Kushano-Sasanian coins. Other persons mentioned in the letter include a Persian princess, Dukht-anosh, and her eunuch, who bears a Bactrian name meaning "slave of the Creator". Apart from the high status of the persons involved, the content of this letter is fairly typical, dealing as it does with a quite mundane dispute about a flock of sheep and a quantity of grain.

coins provided only a minimal vocabulary and hardly a hint of the grammatical structure of the language.

Nevertheless, W. B. Henning recognized the essential points immediately: the text refers to the foundation of a sanctuary by the emperor Kanishka, its abandonment as a result of problems with the water-supply, and its re-establishment by a high official named Nukunzuk in the year 31 of the era of Kanishka, that is, early in the reign of Huvishka.

Several further Bactrian inscriptions have been discovered since that of Surkh Kotal, but most of them are too poorly preserved to add significantly to our knowledge of the language. However, in 1993 a new inscription of fundamental importance was discovered by chance at a site named Rabatak, a few miles to the north-west of Surkh Kotal, on the road from Pul-i Khumri to Aybak [fig. 2].

The inscription of Rabatak describes events of the first year of Kanishka. The opening lines refer to the king as "the great salvation, the righteous, just autocrat, worthy of worship, who has obtained the kingship from (the goddess) Nana and from all the gods, who has inaugurated the year one as the gods pleased". Then comes the important statement: "He issued an edict in Greek and then he put it into the Aryan language". In principle, any language of the Indo-Iranian family could be called "Aryan"; but when Kanishka refers to "the Aryan language" he surely means Bactrian. It is difficult not to associate Kanishka's emphasis here on the use of the "Aryan language" with the replacement of Greek by Bactrian on his coinage. The numismatic evidence shows that this must have taken place very early in Kanishka's reign, quite possibly in his very first year.

The major part of the Rabatak inscription concerns the foundation of a temple, perhaps at Rabatak itself, which seems to have been an extensive site. The list of the deities who are to be worshipped in the temple is very intriguing. On the one hand it includes two Zoroastrian deities who are never portrayed on the Kushan coinage: Narseh and Srosh. On the other hand, it omits many names which are well attested on these same coins, such as Ardukhsh, the goddess of plenty, and Ma, the moon. Above the list of Iranian divinities some words have been added in smaller letters, which seem to identify one or another of them with the Indian god known as Mahasena or Visakha.

Apparently the temple was intended to contain statues of kings as well as gods. Kanishka lists four kings: Kujula Kadphises his great-grandfather, Vima Taktu his grandfather, Vima Kadphises his father, and himself, Kanishka. This list is extremely informative. In the first place, it bears witness to the existence of two kings named Vima, rather than one. Several inscriptions previously attributed to Vima Kadphises can now be ascribed to his father Vima Taktu.

One of the most important of these is the Bactrian inscription of Dasht-e Nawur, which may date from the year 94 C.E. In all probability the coins of the anonymous king Soter Megas "The Great Saviour", which come between Kujula and Vima Kadphises in the numismatic sequence, should also be attributed to this newly-discovered "Vima the First". Moreover, the indication that Kujula Kadphises was the great-grandfather of Kanishka evidently has a bearing on the oft-debated issue of the date of Kanishka. The fact that Kanishka belongs to the third generation after Kujula clearly imposes certain limits on the manner in which the chronology of the Kushans can be reconstructed. Although I would not go so far as to say that the new facts are only compatible with a single chronological

RECENT DISCOVERIES IN THE BACTRIAN LANGUAGE AND THEIR HISTORICAL SIGNIFICANCE

Today I shall be talking about documents and inscriptions in Bactrian, the language of the ancient land of Bactria in northern Afghanistan, with its capital at Bactra, modern Balkh.

Bactrian is the only language of the Indo-Iranian family which is normally written in Greek letters—a legacy of the conquest of Afghanistan by Alexander the Great in the 4th cent. B.C. From this period onwards the Greek language was for a long time the exclusive language of culture and administration in Bactria. When Bactria was overrun by nomadic peoples from the north, its new rulers, the Kushans, at first continued the use of the Greek language for administrative purposes, but soon they came to use the Greek script to write the local language, Bactrian. A crucial moment in the history of this language was the decision of Kanishka, the greatest of the Kushan kings, to adopt Bactrian as the language of his coinage. After the first issues of Kanishka, Greek disappears from the coinage once and for all, to be replaced by Bactrian.

During the first centuries of the Christian era, Bactrian was one of the world's most important languages. As the language of the Kushan kings, Bactrian must have been widely known throughout a great empire, in Afghanistan, Northern India and part of Central Asia. Even after the collapse of the Kushan empire, Bactrian continued in use for at least six centuries, as is shown by the ninth-century inscriptions from the Tochi valley in Pakistan and the remnants of Buddhist and Manichean manuscripts found as far away as the Turfan oasis in western China. The career of Bactrian as a language of culture thus lasted for close to a thousand years.

Until forty years ago virtually nothing was known of the Bactrian language except for the legends on the coins of the Kushans and their successors. The Kushan coins are inscribed in Greek letters of an angular type, apparently imitating a style of writing used for monumental inscriptions. These coin-legends are not particularly difficult to read, but their content is limited to the names and titles of kings and deities. The coins of the later rulers of Bactria—Kushano-Sasanians, Kidarites, Hephthalites, Turks, and so on—are written in a cursive script, imitating manuscript styles, which has proved much more difficult to decipher. Some fragments of manuscripts in a similar cursive script have also been known since the beginning of the 20th century, but they were too few and too incomplete to offer any realistic prospect of interpretation.

This prospect was transformed in 1957 by the discovery at Surkh Kotal near Baghlan of the first substantial Bactrian inscription [fig. 1]. The text, written in the monumental script already known from the Kushan coins, could be read without much difficulty; its interpretation was much more problematic, since the names and titles known from the

tarikhema.org

About the Author:

Professor Sims-Williams is one of the world's leading experts on Bactrian and Soghdian texts who has published widely in many internationally accredited publications

He has served on the Councils of the *Corpus Inscriptionum Iranicarum*, *Societas Iranologica Europaea*, The Philological Society, The Society for South Asian Studies and The Ancient India and Iran Trust.

He is the editor of *Beiträge zur Iranistik* and an Associate Editor of *Encyclopaedia Iranica*.

Prof. Sims-Williams currently holds a major research grant for his work on a Dictionary of Manichaean Texts and a Major Research Fellowship from the Leverhulme Trust. In 1997 he was joint winner of the Hirayama prize for Silk Road Studies.

Amongst his many contributions to Bactrian Studies, Prof. Sims-Williams was responsible for the translation of the Rabatak inscription, which resulted in the rewriting of early Kushan dynastic history. He has also recently published a translation of the late Bactrian inscription from Tang-i Safedak, Yakaolang district of Bamiyan Province, Afghanistan.

Publication details

TITLE:	RECENT DISCOVERIES IN THE BACTRIAN LANGUAGE AND THEIR HISTORICAL SIGNIFICANCE
Author:	Prof. Nicholas Sims-Williams
Translators:	Mir Ahmad Joyenda & Sarwar Homayun (Dari), Sayyid Muhai al-Din Hashimi (Pashtu)
Editors:	Muhammad Zia Afshar (Dari); Sayyid Muhai ad-din Hashimi (Pushtu)
Layout:	Brendan Cassar; Abed Saeedi
Publisher:	SPACH, P.O. Box 550, Kabul, Afghanistan
Published:	Kabul, 2004
Email:	info@spach.info
Web site:	www.spach.info
Print run:	1,000

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

SPACH LIBRARY SERIES

The Society for the Preservation of Afghanistan's Cultural Heritage, based in Kabul, was formed in 1994. SPACH aims to share information and foster contacts with organizations, institutions and individuals inside and outside Afghanistan.

With the cooperation of its members, SPACH maintains a Photo Catalogue on the Status of Museums, Sites, Monuments, Artefacts and Architecture of Afghanistan. A Newsletter and Website describing SPACH activities is published for its Afghan and international members. It promotes extensive public relations through liaison with the media and public lectures.

As part of its advocacy efforts, the SPACH LIBRARY SERIES is designed to acquaint readers with the diversity of Afghanistan's cultural heritage. Each volume is devoted to one specific monument, archaeological site, region or, occasionally, other cultural subjects. Articles by experts are selected by an Editorial Board and appear in English, Dari and Pashtu. The intent is to enhance the knowledge of all levels of readers.

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

SPACH LIBRARY SERIES

RECENT DISCOVERIES IN THE BACTRIAN LANGUAGE AND THEIR HISTORICAL SIGNIFICANCE

by

Professor Nicholas Sims-Williams,

Department of Near and Middle East Studies,

School of Oriental and African Studies, University of London

Being the text of a lecture given

at

The University of Kabul

On 19 May 2003



Organised by the Society for the Preservation of Afghanistan's Cultural Heritage



Society for the Preservation of Afghanistan's Cultural Heritage

Kabul, 2004

pdf.tarikhema.org

SPACH LIBRARY SERIES

4

RECENT DISCOVERIES IN THE BACTRIAN LANGUAGE AND THEIR HISTORICAL SIGNIFICANCE

by

Professor Nicholas Sims-Williams,
Department of Near and Middle East Studies,
School of Oriental and African Studies, University of London

Being the text of a lecture given
at
The University of Kabul
On 19 May 2003

Organised by the
Society for the Preservation of Afghanistan's Cultural Heritage



Society for the Preservation of Afghanistan's
Cultural Heritage
Kabul, 2004

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org